

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته‌های ضد امپریالیستی توده‌های مردم است

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

۳۳

دوشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۸ بها - ۲۰ ریال

بمناسبت ۲۱ آذر:

گرامی باد خاطرۀ قیام پرشکوه

خلق آذربایجان یاشاسین بیزیم ترک خلتمیز!

شکوه خلقی ستم‌دیده است که در یکی از حساس‌ترین دوران‌های تاریخ ماضی را سخت‌تر بقیه در صفحه ۲

با فرا رسیدن ۲۱ آذر ۳۳ سال از سقوط حکومت دموکراتیک آذربایجان میگذرد. در همین حال این روز یادآور خاطرۀ قیام بر-



- وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟
- مبارزه برای رسمی شدن ادامه خواهد یافت یک گام ازده گام!
- قطع دست کارگر، در جامعه سرمایه‌داری ...
- انتظامات، حفاظت کمیته مستقر در کارخانه منحل باید گردد!
- خانه کارگر سندج آزاد شد
- گزارشی کوتاه از اخراج کارگران آگاه کارخانه استارلایت
- کارگران ماشین‌سازی اهواز مدیر ضد کارگر پروژه‌های ماشین‌سازی را محاکمه و اخراج کردند
- پیروزی کارکنان شرکت‌های حفاری

دانشجو، محصل، پیوند بازحمتکش، پیوند بازحمتکش

بیاد ۱۶ آذر روز آذر نشان دانشجو

صفحه ۱۱

مراسم پرسکوه روز دانشجو چگونه برگزارند

هر چه گسترده‌تر باد جنبش‌های حق طلبانه دهقانان علیه ملاکین! پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان! مبارزه علیه مالکین بزرگ از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

صفحه ۷

اول زانویه (دهم دیماه) مصادف است با تولد انقلاب فلسطین یعنی عید خلق فلسطین!



رفقا، هواداران، نیروهای انقلابی! بکوشیم تا مراسم این روز را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

- جنبش ملی در صفحه ۶
- جنبش دهقانی در صفحه ۷
- حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان در صفحه ۵
- رضاندوم قانون اساسی "خبرگان" (۲) در صفحه ۱۰

توطئه جدید "امل" علیه مردم فلسطین و لبنان و نقش آقای چمران و طباطبائی

صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ بدست است ...

بیکار راجع و امیرالیم فرود آورد. حجاب
برگود این فام دلاورانه و دولت دمکراتیک
آذربایجان که در دل تمام مسلمانان خلق آذر -
سایبان خونین در آن سالهای سادگانه میرا -
لیسنهای انگلیسی و آمریکائی ایران را
حولاتکامسپیکاری های خود کرده بودند. خرابی
فروران در دل کلیه طبقه های ستمدیده و رنج دیده
ایران موجود آورد. در طول مدت کنگالی که
حکومت دیکراتیک آذربایجان بقدرت رسید و
خلق آذربایجان سرسوس خوس ملط شد و
جدا سالهای بی آران همگامیکه اس آس
سوران بدریحا کمسرکوب و دیکناموری رفت
طلب ناما مخلصهای رسدیده و ستمکی ایران در
سربرینیرمان در آسجائی که برجم استلال
خلق بدست توانای بوده ها برافراسد منسد
می سید ولی اسوس که دسا وردهای آن فام نیر -
مانا ندیخا طریقت طلبی و سارکاری رهبران آن به
کخرادافنا دودر آخرین بدست امیرالیمسپا و
مرحمتین و در اس آن در بار خاش بیلسوی
ناسودن و فقط خاطرهای آران همه دلاوری و
حاجتمانی بانی ماند. نگدار امیرالیمسپا
و مرحمتین سراجاد سپدای خلق قهقهه سردهد.
بگذار جلدان خلق سید آرادخواهان را
سنگامند. بکدامرخص طلبان و سارکاران بر
احساد سپدای خلق انگ سراج بریزد. خلقی
که تمام مسلمانان سیریزراد سالهای نکست
سپخت مشروطیت آفرید. خلقی که حکومت دمو -
کراتیک آذربایجان راد سالهای ۲۵-۲۴ بر
قدرت سادو بالاخره خلقی که تمام قهرمانان
۲۹ بهمن ۵۶ رآفرید همچنان زنده است و
سرای استخرا برای مسفل و آزاد دموکرا -
سیک و خلقی می زرد. امروز خلق آذربایجان
و خلقی کرد و سارخلفتهای ایران رماسی خاطر
قیام برنگوه سالهای ۲۵-۲۴ راکرامی می -
دارند که خلقی سراسران علیه امیرالیم
حنابینا رآمریکا و عمال آن می ررسند. امروز
سویزه برای خلق کرد در اس آموری آران سالهای
برنگودا هست می سادگانه هدایم که راجع
بکنار دیکرمی کوسدنای نعلهای رزم خلق را در
کردستان فرو ساند. سورا های خلق را سار
دیکرمسیدم سارزودا کمک سارکاران و فرسخ -
طلبان نگار دیکر جامل حون هزاران شهید راه
خلق رادستنی گماند.

رسیده با دخلی آذربایجان. خلق کرد و همه خلقی ایران!

سالهای ۲۲-۲۰ دوران رسدجنتی بوده -
ای در سراسر ایران بود. قدرت یا فتن آلمان
هینلری و ونوع جنگ های امیرالیمسپی در
فاطمه، جنگ جهانی دوم مانع آران بود که
امیرالیمسپا بنوا سندا حال راحت بنسارت
خود در کشور های وابسته ادا بدهدند. اسن
صفت و بانوایی موقعیتی سسارمانست بود
برای رحمتگان ایران که بکدوره سرکوب و
خفتان ۲۰ ساله رابنت سرگذارده بودند. این
سالها فرصتی مناسب برای نکل گیری بهمنهای

آرادیمسپا بود. رحمتگان گروه کرده در اتجا -
ده ها، حرات. سارمانهای نوده های و سیاسی
خودمیشکل میدند و برای احقاقی حقوقی و سیاسی
سای بدیدرهای ملی - طبقانی روی می -
آوردند. در عین حال ارتجاع سیزکه ضریب
جانگای خورده و شکل خود را از دست داده بود
می کوسد تا سرعت سیروهای خود را جمع آوری
کرده و در سیردی فطعی رحمتگان را سرکوب
سجوده و آزادی بدست آمده را از چنگ آسان
سبرون بکشد.

۱۴۰ ربال خریده و سنا ما به مرکز حمل کردند.
در فصل زمستان، شهر تبریز به سجاد (فطعی)
گرفتار روسی آدوقه ماند. ناچار علیه گمیدیه و
ارجند سال مانده کرگان را که سنا ما منطبق به
املاک اختصای (زمانه) بود از راه آسارابه
سبرز حمل و از قرار خرواری ۶۰۰ ربال بخورد
مردم بیچاره دادند. و چون نان این گندم -
های فاسد خوردنی نبود و در عین حال گران و
کماب و بیادنی شد، هزاران فقیر بودیخت،
مریض و بازرگسکی قریبانی اغراض آسقای

بگذار امیرالیمسپا و مرتجعین بر اجساد شهدای خلق قهقهه سردهد. بگذار جلدان خلق
سینه آزاد بخوانان را بشکافند، بگذار فرصت طلبان و سارکاران بر اجساد شهدای خلق اشک
تساح بریزند، خلقی که قیام مسلحانه تیریزراد سالهای شکست نهضت مشروطیت آفرید، خلقی
که حکومت دمکراتیک آذربایجان راد سالهای ۲۴-۲۵ بقدرت رساند و بالاخره خلقی که قیام
قهرمانانه ۲۹ بهمن ۵۶ رآفرید همچنان زنده است و برای استخرا ایرانی آزاده، دمکراتیک و
خلق می زرد!

سپخت دموکراتیک در آذربایجان و کرد -
سان بخا طرسنهای مبارزان آزاد بخوانان
ومدا میرا سینی سراط سسارمانست تری
داشت. فقر و نکستی در میان رحمتگان که
اکسرت آنها راد هفانان رنج دیده تشکیل
می دادند، بطور حیرت آموری پیدا می کرد.
ارزای عمومی بخا طرا حنکار سوجویان شدت
کماب سده بود. بلاهای ناشی از جنگ بیشت بر
دوین رحمتگان سکنی میکرد. امیرالیمسپای
انگلیسی و آمریکائی در اکثر نقاط ایران به
غارت و جپاول خلق مشغول بودند. در عین حال
وجود ارتش سرج در شمال کشور مانع آران میشد
ناس غارت و جپاول و به همراه آن سرکوب خلق
سوسط امیرالیمسپا به آذربایجان راه پیدا
کند. همه اس عوامل شرایط مناسب برای نکل -
گیری یک حبس انقلابی برای سرکوبی امیر -
یالیمسپای انگلیسی و آمریکائی و عمال جنایت
- کار آسپا سعی در با روسلطنت پهلوی فراهم
می آورد.

ارتجاع نیز از موقعیت ویژه آذربایجان
مطلع بود و سراجو کوشی برای سرکوبی
خلق در آنجا فزودا رنی کرد. فهمی استان -
دار آذربایجان (در سال ۱۳۱۹) از بسکو برای
ایجاد تفرقه در میان کارگران اتحادیه های
فلاسی بوجود می آورد و از سوی دیگر از هزنان و
چاقوگنان را مسلح می ساخت تا مسلحانه به
دهات یورش برده و با غارت و قتل و کشتار آنان
دهقانان را منکوب سارد.

آری ارتجاع که سار نکست انقلاب
مشروطیت مجدداً بر آریکه قدرت نکبده رسد بود از
آذربایجان مهران به خشن ترین شکلی انتقام
میکرفت. ستم ملی و طبقانی بداد میکرد.
نخل نمونه زبر، عظمت فاجعه رسان میدهد:
"در استان ۱۳۱۹ غله آذربایجان را که
خرواری ۳۵۰ الی ۴۰۰ ربال در محل قیامت
داشت، آقای مستوفی (استاندار) بدون اینکه
بدا احتیاجات مردم تبریز اعنائی نموده و با
بدنگراب آنها داریه تا مین آدوقه شهر
سرتیب انبرده و سروز سرتیزه از قرار خرواری

مستوفی شدند. غله حمل شده از کرگان بقدری
فاسد و غیر قابل خوردن بود که قسمتی از جو
آنرا فرمانده ارتش تبریز بنیذیرفته و شرعی
به ساستانار نوشته بود که: بیعت فاسد شدن،
اسپهای ارتش نمی خورند و ساستانار در حضور
جمعی با نهایت بیشرمی چنین گفته بود:
"یاکی نیست حالا که اسپهای ارتش
نمی خورند میدهم خراهای تبریز بخورند!" (۱).

واقعاً زهی بیشرمی!
در زمینه ستم ملی آنهم در مورد زبان
ترکی که زبان مادری خلق ترک در آذربایجان
است کافی است به این نمونه اشاره کنیم:
در همان سالهای پیش از قیام آذربایجان
و در کرگان استاننداری، یک رئیس فرهنگ
هم وجود داشت بنام محسنی. او میگفت: "هر
کس ترکی حرف میزند، انسا را لایع سسرا و بنزیدو
اورا به آخور سبندید!" در پرتو چنین سیاست
فدخلق ای بود که هرگونه نشریه ای را که به
زبان ترکی آذربایجانی نوشته میشد توقیف
میکردند. نادیده گرفتن حقوق ملی خلق آذر -
بایجان و شناسیم فارس به جاتی رسیده بود که
نویسندگان فارس را نیز فاسد ساخته بود. نخسی
مانند ملک الشعراء بهار نیز در توجیه سیاست
رژیم حاکم و بحکم ماهیت طبقانی خود زبان
ترکی آذربایجانی را یکی از لهجه های زبان
فارسی قلمداد میکرد! و آذربایجان را از
اصاری که برای تکلم به زبان مادری خود
دارند، مورد سز نش قرار می داد!

ارتجاع به اینگونه جنایات بسنده نمی -
کرد بلکه برای ایجاد تفرقه بین صفوف کارگران
اتحادیه های فلابی می ساخت و به فتوادالها
اسلحه میداد تا دهقانان را غارت و سرکوب کند (۲)
اینجا نمونه های کوچکی بود از ستم چند
جانبه ای که به مردم آذربایجان روا داشته می -
شد و زمینه را برای جنبش دموکراتیک آذربایجان
فراهم ساخت.

از سوی دیگر آزاد بخوانان نیز برای
سارزه مشترک گرد می آمدند و در تشکیلات صنفی

بقیه در صفحه ۱۲

همه قرار دادهای اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!

پیکار



جنبش کارگری

گزارشی از اخراج کارگران آگاه کارخانه استارلایت

چرا کارفرمایان و سرمایه داران کارگران را آگاه هوجت دارند، و در هر فرصتی و با بیاهنگی باحتی آنها را اخراج میکنند؟ سرمایه دار دنبال سود بیشتر است، برای اینکه هر چند سرمایه دار کارگران را استیفا میکند، در مقابل، کارگران آگاه، تا آنجا که بتوانند میکوشند آگاهی دوسان کارگران را بالا ببرد و آگاهی را به حقوقشان آسیا نرساند. هر قدر آگاهی کارگران بالا رود و بیشتر بحقوقشان آشنا شوند کمترین بهره برداری می دهند. و این درست مخالف آنست که سرمایه دار میخواهد، از این رو دست به نطفه میرسد. حال اگر کارگران یکپارچه و هوشیار باشند، کارفرمایان نکست خورده واقعا میشود، اما اگر آگاه و برانگنده باشند، کارفرمایان بطور موقت پیروز میشوند. اخراج ۲۶ نفر از کارگران ماز کارخانه استارلایت که گزارش آنرا در زیر میخوانید یکی از هزاران نمونه ایست که در رابطه با نکته سالانه روز در گوشه و کنار میهمانان اتفاق می افتد.

کارفرمایان این کارخانه از مدتها پیش عده ای از کارگران مبارزان را نشان داده و با کمک سرپرستها و کارگرانی لستی ۴۵ نفره از آنها تهیه می نمایند، تا در فرصتی مناسب اخراجشان کنند. اینست که غیبت دو نفر از کارگران را نشان کرده و آنها را اخراج میکند. دنبال این جریان رورجیا رستبه ۵۸/۸/۲۳، ۲۴ نفر از کارگران به طرفداری و حمایت از کارگران اخراجی دست از کار کشیده و مقابل دفتر مدیریت منحص میبوند در این هنگام عده ای از کارکنان که قلب آنها سرپرستها و مزدوران کارفرمایان بودند با تحریک کردن عده ای از کارگران ناآگاه همه کارگران منحص حمله میکنند و با هل دادن و فحشهای رکیک آنها را از سالن بیرون میاندازند. و بدین ترتیب ۲۶ کارگر آگاه از کارخانه اخراج می شوند. کارگران اخراجی از همان روز اول برای برکنشتن بسرکارها اقدامات مختلفی دست میزنند آنها به کارخانه های مختلفی مانند (نخ زریسن - ساکا - تکنوکا - رعیندی و...) رفته و جریسان اخراجشان و علت آنرا برای کارگران شرح میدهند کارگران این کارخانه ها اظهار امیدوارند که هر کاری بتوانند برای آنها انجام میدهند. کارفرمایان برای اینکه کارگران آگاه را اخراجی را از دیگر کارگران جدا نگه دارند دستور میدهند که آنها را به کارخانه ها ندهند و سرپرستها نیز آنها را سوار نکنند.

کارگران اخراجی برای آنکه صدایان را به گوش دوسان کارگران برسانند، دست به انتشار اعلامیه میزنند که در قسمتی از اعلامیه شماره ۱ آنها میخوانیم:

"دوستان کارگر... ما کارگران با بدبختی هم متحدیم، چون دردمان یکس است، چون با هم رحمت میکنیم و با هم استیفا میزنیم... چرا

پایمان از زمان پیکار در دروازه آزادی طبقه کارگر - حوزه سندج خوانده شد.

بسیاری از گردمانی، جمعیت بطرف خانه کارگر حرکت کرد. بعضی از شعارها می گفتند: "خانه آزادی بدید کردید" "تنها ریگهای زرگای، سوسالیزمی کریگری" (تنها راههای، سوسالیزمی کریگری) و... در مقابل خانه کارگران استارلایت کارگران روی زمین نشستند و نمایندگان آنها از خانه کارگر را بالای در آن نصب کردند و پس از سه ماه دوباره خانه خود را از جنگ با سرمایه داران سرمایه در آوردند. آنگاه به نشانه پیروزی، سرود اتحاد اتحادی بود و دستجمعی خوانده شد.

چاره رنجبران
وحدت و تشکیلات است

خانه کارگر سندج آزاد شد

خلق کرد با دلاوریها و جانبازیها می که در طی سه ماه هجوم نظامی دولت ضد انقلابی سرگردستان از خود نشان داد و توانست سنگرهای از دست رفته، خود را یکی پس از دیگری پس بگیرد. یکی از این سنگرها خانه کارگر سندج بود که پس از حمله به گردستان توسط سرمایه داران مستضعفین!! ضبط شده بود.

روز چهارشنبه ۵۸/۸/۲۳ بدعوت کارگران پیرو عده زیادی از کارگران و مردم سندج در میدان آزادی این شهر گرد آمدند. در این گردهمایی ابتدا پیام کارگران کارخانه بوதாக سندج قرائت شد، و سپس پیام دانش آموزان و دانشجویان پیشگام خوانده شد. آنگاه

وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟

مدیریت کارخانه نظارت و کنترل شدید را بر کارگران اعمال میکند. شورا یا سندیکای واقعی کارخانه وظیفه دارد با تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه (و نه شرکت در آن) اهداف، برنامه ها و عملکردهای فزادگاری دولت سرمایه داران را لومفت را برای کارگران افشا کند، تا کارگران از انجام آن جلوگیری بعمل آورند.

شرکت در مدیریت کارخانه، شورا یا سندیکای واقعی را از کارگران جدا کرده، در مقابل آمان فرامیبرد. از آنجا که قدرت شورا وابسته به یکای واقعی فقط و فقط در نیروی متحد و پیوسته کارگران میباشد، لذا شورا وابسته به یکای واقعی با بدفقط فقط بر این نیروی متکی کرده، از شرکت در مدیریت کارخانه بهرگز نمیگردد.

شرکت در مدیریت کارخانه باعث نقای در میان کارگران، رودررو قرار گرفتن شورا یا سندیکا با کارگران و از دست دادن یا بیگانه کاری آن میشود. شرکت شورا یا سندیکای واقعی در مدیریت کارخانه، موجب میسود که شورا یا سندیکا آلت دست کارفرما شده، عملا در خدمت کارفرمایان و دولت فزادگاری قرار گیرد. شورا یا سندیکای واقعی کارگران، خارج از کارخانه وظیفه دارد با شورا یا سندیکای واقعی کارخانه های دیگر تماس برقرار کرده، در جهت افزودن به نیروی متحد کارگران کوشش نماید.

کارگران برای کمک کردن به استیفا، خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند.

در رابطه با مسئله فوق که اکنون به اشکال گوناگون و در کارخانه های مختلف مطرح میباشد اعلامیه ای در تاریخ ۵۸/۹/۵ از طرف سازمان منتشر شده است. در این اعلامیه ضمن اشاره به اوضاع نامساومان اقتصادی کشور و استعماری که بویژه بردوش طبقه کارگر سنگینی میکند، آمده است:

"... در چنین شرایطی وظیفه شورا (مراد ما از شورای واقعی، نه شورا های انقلابی - لنینی، بلکه از نظر وظایف و مضمون همان سندیکای واقعی - سرخ - می باشد) با سندیکای واقعی کارگران چیست؟

وظیفه شورا یا سندیکای واقعی کارگران عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه. وظیفه مدیریت کارخانه تشدید استعمار هر چه بیشتر کارگران است. مدیران همیشه در پی یافتن شیوه های جدید برای کسب سود بیشتر هستند. در این مرحله از انقلاب، کارگران نمی توانند مدیریت کارخانه را کاملاً بدست بگیرند و از نظر طرفی شرکت در آن بمعنی قرار گرفتن در کنار کارفرماست. اما کارگران می توانند و باید با نظارت و کنترل مدیریت کارخانه را به دست برندارند. از آنجا که شورا یا سندیکای واقعی کارگران، نماینده کارگران می باشد، وظیفه شرکت در مدیریت کارخانه نبوده، بلکه برای تامین منافع کارگران، وظیفه دارد بر

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

با بدفرب دروغهای کارفرما و عواملس را بخوردیم، از طرفی شما گفتند که اگر به ما ناهار نمیدهند، علفش اینست که کارگران را ضعیف میسازد، و بیست و سه سال بدفرب و شما گفتند که ما میخواهیم کارخانه را تعطیل کنیم تا شما بیجا شوید، دروغ از اینها خدا ترتر! اگر کارخانه تعطیل شود، خودمان و خانواده ما را چه؟ اگر کارخانه تعطیل شود، ما را چه؟ اگر کارخانه تعطیل شود، ما را چه؟ اگر کارخانه تعطیل شود، ما را چه؟ اگر کارخانه تعطیل شود، ما را چه؟

کارگران اخراجی از شورای ضد کارگری کارخانه میخواهند مجمع عمومی تشکیل شود تا آنها بتوانند حرفهایشان را بگویند همه کارگران برسانند ما در مجمع عمومی نیز با تحریک و آوردن کارگران با آکا به جلسه توسط کارفرما و مزدورمان وی بر علیه کارگران اخراجی عمل میشود.

شکایتهای کارگران اخراجی به وزارت کار، شورای انقلاب و کمیته مرکزی جاسی نرسید، این مسئله را از قبل هم میشد پیش بینی کرد، کارنامه ما همیشه حاکی پیش روی ما است، موازین را نمیتوان مثال زد که کارگران پس از اعتراض حقوق با اعمال شده، با سداران مطبوعه سلاحهای آمریکایی یا اسرائیلی رابست سرما به دا ربحیاتی از او و روبروی خود دیده اند. گذشته از این نگاهی به قانون اساسی دستپخت "حیرگان" نشان میدهد که این دولت تا چه حد حقوق زحمتکشان را محترم بشمارد! تصویب مسوده قوانین "جرائم ضد انقلاب" که بر اساس آن برای کارگری که در اعتراض به حقوق با اعمال شده است اعتصاب کند، ۲ تا ۱۰ سال زندان در نظر گرفته شده! پیام مورخ ۵۸/۸/۲۶ شورای انقلاب و ... اینها همه دلایل کافی هستند که کارگران و زحمتکشان ما از این هیئت حاکمه قطع امید کنند و در مقابل، به نیروی همبستگی خود متکی شوند، تا بر پایه آرزوهایشان رنج را کاملاً بکنند.

به عقب نشینی وادارند. کارگران اخراجی از کوشش خود با زمینها نشان ما کارفرما توسط مزدوران همجان بر علیه آنها توطئه میکند تا حدی که مثلاً روزی که کارگران کارخانه سارلابت به نظر هرات خدا میربا لیبسی میروند، کارگران اخراجی، که با خانواده هایشان جلوی کارخانه اجتماع کرده بودند، ضار را دستگیر کردند. نظر هرات بیرون، اما طبق دستور کارفرما از سوار شدنشان به روس جلوبگیری شد و بعداً تا به کردند که این عده آمریکایی هستند و میخواهند نگذارند کارگران به نظر هرات بیرون!

کارگران اخراجی در تاریخ ۵۸/۸/۲۰ به شورای متحد متوسل میشوند (شورای متحد متوسل از شورای ۱۵ کارخانه است که شورای کارخانه سارلابت نیز عضو است) با دخالت شورای متحد در تاریخ ۵۸/۹/۲ دوباره مجمع عمومی کارخانه تشکیل میشود.

روزی ۵۸/۹/۲ مجمع عمومی برگزار شد در این مجمع چندین نفر از جمله یکی از نمایندگان شورای متحد صحبت کردند. وی ضمن سخنانشان را رد کرد: نفاذ ما با آمریکا است، ما نباید بگذاریم کارگر بیجا شود... در این جلسه دو نفر از کارگران اخراجی شما بندگی بقیه شرکت کردند و به بسیاری از همتیا پاسخ گفتند. زنان همجان با با زکنت آنها مخالفت میکردند ولی اکثر مردها موافق بودند. در ابتدای کار از کارگران مرد حمایت خود را از آنها اعلام کرد، سپس یکی دیگر از مردان دیکه های پیراهنی را با کرد و بر کشش گوید و گفت: ما شکمان سیراست و از حال کورسهای بیرون خبر نداریم. اگر چه تا کنون مسئله اخراج کارگران حل نشده، اما با بهت تلاشهای کارگران اخراجی در جهت آکا کردن کارگران داخل اربوطه های کارفرما و جلب حمایت آنها مبارزه از طرف کارگران داخل خود آنها و شورای متحد برای برکناری آنها به کار خود همچنان ادامه دارد.

طبقه کارگر در مبارزه های علمی سرمایه دار، بین ازرکس باید به نیروی همبستگی و تشکیلات خود متکی باشد!

کارگری است! ... میباید بدترین تنبیه این نمایندگان که ما هم با ما منع بفرستایم و میلونیان تومان پول این ملت فقیر را بجز (آقای مهندس بیژادی ارشد ما را حتی ناسی از اخراجان دست بیرون کارگران، هدر رانه صورتی که میباید سوتها بدهد) داده انداده شود. (با یکدازماست)

(آقای بیژادی از اروپا دستانها ده که ملت ما فقیر است، اما دیروز که آستان نویی را در کنار مدیریت بدک میکشیدند، ملت ما فقیر نبود!) مدنی مثل همیشه مهندس بیژادی را در مقابل خود با افتخار کرده و به سرکار خود میفرستد، اما شورای کارگری ما سنساری با رس، براساس اراده و خواست شما می کارگران از بدترین وی خودداری کرده و با این دلیل که ورود وی به شرکت موجب واکنش شدید کارگران خواهد شد، ورود او به شرکت (با وجود حمایت کلیه مقامات مسئول از او) مانع عمل آوردند.

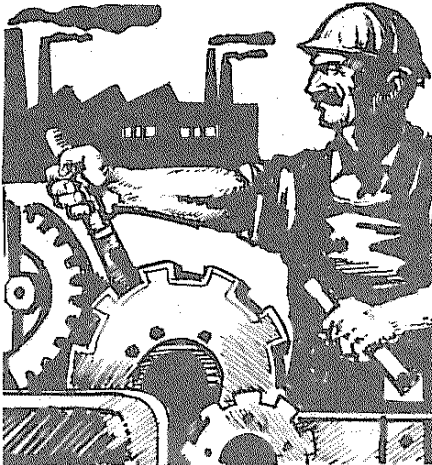
از آن پس شورای کارگری مسئولیت شرکت را با سعه گرفت، بیست و سه ساعت خرابی و مساب کار در مدت کوتاهی که مدیر پروژه اخراج کرده است، با رد کردن دادگاه فردی ما بفرستد بیژادی ها، حرس کوب کارگران، با جاسوسی در صفوف متحد متوسل آنها، ما رده بندی کارها و سورا های واقعی، با تمام اعمال ضد کارگری، حیث و میل سرور و جاسوسی و مکرر حقنای کلان کار دیگری انجام میدهند.

با وجودیکه کارگران بیدار شده بودند که در صورت عدم بیژادی مهندس بیژادی، دستباز ما ها به آنها بر داخت نخواهند، اما بیژادی کارگر بیژادی کارگری، با سضا و تخلف انقلابی و آهنگ کارگران، موجب گردید که مقامات مدکارگر بتوانند بیدار شوند تا به خود را عملی سازند.

کارگران ما سنساری و احدا هوار، با یک بخوبی در اینها ده که اتحاد هسن آنها ما سن اصلی مبارزه و بیژادی آنهاست، و بیژادی واقعی سنها در صورت طلب حمایت کارگران می تواند وجود داشته باشد، و سنها آن شورائی واقعی است که منتخب کارگران و متوسل از آکا هرسن و فعالترس آنها است.

بیرون یاد دستهای مسدود کارگران
مانس ساری اهور

شبه در صفحه ۱۳



کارگران مبارزه، مدیو ضد کارگر پروژه های ماشین سازی را محاکمه و اخراج کردند

دخالت در مدیریت کارخانه و محاکمه مهندسی مسئول پروژه در اجتماع کارگران تحریک شده و خشمگین... و جلوبگیری از حرسای هرکوبه آشن ما با مضاطی (معنی مضاط از نظر انسان معلوم است!) در سطح کارخانه... کارمندی در جهت بیژادی مور پروژه انجام داده اند. "انسان در بیان نامه کسی که خود نسبت به هرکوبه رکان بوده ای، ارجله سورا های کارگری کینه طبقاتی را در هر مود مسده که "بعضده ای شرکت سنها را جلوبگیری از مضاط کارخانه ای این شرکت در مجمع فولاد اهور انتخب مسئول پروژه در کار خود و مسل کردن کینه کارگری کارگاه (مطورشان همان سورا

کارگران ما سنساری با رس، و احدا هوار در تاریخ ۵۸/۸/۱۲ بیژادی مدیر پروژه ما سنساری را در محل کارگاه مورد محاکمه قرار می دهند. آنها پس از فضای سواستی وی در طرفداری از آنها هاشن و اقدامات ضد کارگری در طول تصدی شغل خود، با اکثریت آرا، بیژادی را محکوم به خلع مقام مدیریت و اخراج از شرکت کرده و حکم صادره بلافاصله اجرا میگردد.

بیژادی که وضع را اینچنین میبیند، به مدنی جلدیها برده و طی نامه شماره ۵۸/۸/۱۲ که دارای غلطیهای املایی و انشائی است می نویسد: "نیمه رد کتر مدنی... ارتا ریج تشکیل کمیته کارگران ما سنساری... حدود ۹ ماه میگردد... در این مدت ما هسن کمیته جسر

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند

حرفهای زحمتگشان از نشریات زحمتگشان



در شرایط کنونی علاوه بر نشریات و روزنامه‌های علنی و غیرعلنی، در کاخ‌ها و محلات مختلف حتی در پاره‌ای از روستاها نیز نشریاتی چاپ و نشر می‌شود که به اخبار و گزارشات آن کارخانه، محل و یا روستا اختصا می‌دارد. این نشریات بطور عمده نقش قابل ملاحظه‌ای در بالا بردن سطح آگاهی زحمتگشان و بویژه کارگران و دهقانان بازی می‌کنند، بویژه آنکه با نشریاتی که نوشته شده و یا بهائی نازل در اختیار آنها قرار می‌گیرند.

ما به منظور آنکه هر چه وسیعتر گوشه‌ها - شی از زندگی و مبارزات زحمتگشان، از این درزیر می‌خوانید:

انتظامات، حفاظت کمیته مستقر در کارخانه منحل باید گردد!

و آن کارگران را اخراج و یا تنبیه کنند. افراد حفاظت ایمنی نقش سازمان امنست را دارند. آنها را خوب بشناسید.

۳ - کمیته: مستقر در کارخانه (جماعتی مرکب) - این کمیته که حفاظت منافع سرمایه داران (کارفرما) میباشد آماده است تا صدای اعتراض و اعتصاب کارگران بلند شود و آنوقت با اسلحه سراغ ما بیاید. سمومش را در اعتصاب چند ماه پیش خودمان دیدیم. ما باید این دشمن مسلح خود را نیز بشناسیم.

برادران کارگر علت اینکه اوضاع کارخانه و نیز تمام جامعه تغییر کرده، علت اینکه ما هنوز خود را در دوران طاغوت حس می‌کنیم در اینست که هنوز رژیم سرمایه داری و استبداد بر جاست و تا سرمایه داری هست، ساواک هست، خبرچین هست، یا سدا و ارتش ضد مردمی و زندان هم هست و همه اینها به تکلیف و حیل‌های مختلف دست بدست هم داده اند تا سرمایه داری را حفظ کنند و خون زحمتگشان را بیشتر بکنند.

برادران کارگرها منظور که میدانید در رژیم شاه خائن برای سرکوب هر صدای حق طلبانه کارگران، ساواک به شیوه‌های مختلف بسالای شما حضور داشت و کارگران آگاه و مبارزان تحت عنوان خرابکار رو... تحت تعقیب قرار میداد. الان هم تنبیهی که نکرده هیچ، عده‌ای گردن کلفت و ژ - ۳ بدست هم به آنها اضافه شده‌اند.

پس بیایید ببینیم سرمایه داران و کارفرماها چگونه و با چه وسائلی توانسته‌اند از ما بهره‌کشی کنند و حکومت هم بکنند.

۱ - انتظامات که هر وقت کارگری از حقش دفاع میکرد فوری او را کتک زده و تحویل سدا اطلاعات کارخانه می‌دادند.

۲ - بچه سرخها - که این عده اکثریت کارگر هستند و با اسم حفاظت ایمنی، در حقیقت نقش افراد خبرچین را بازی می‌کنند، این افراد از صبح تا شب کارشان اینست که ببینند کجا صحبتی از حق کارگر و اعتصاب میکنند تا فوری یک گزارش به کمیته بدهند

داشتن مسکن، آب و برق حق مسلم زحمتگشان است!

"اهالی زحمتگش زورآباد مارک ضد انقلابی خوردند. دلیلش چیست که مارک ضد انقلابی ما زحمتگشان زده‌اند؟ دلیلش بجز اینکه آنها آب و برق و دیگر وسائل رفاهی از قبیل بهداشت عمومی، مسکن مناسب و... میخواهند چیزی دیگری نیست. مردم زورآباد مارک آب میکنند. یک نفر از دیونولویزیون بخش مذکوره ما که اهالی زورآباد گفت: این کار شما ضد انقلابی است. شما نباید از آب بطور استغاده کنید. این آب حرام است. باید قبول بدهید. مردم حاضرند قبول بدهند ولی وقتی که از آب بنواهند

شهریه" قریباً دزورآباد که توسط گروهی از زحمتگشان تهیه زورآباد کرج منضم می‌شود، در شماره دوم خود مقاله‌ای دارد تحت عنوان "خبر از تریه" که در آن ضمن بررسی مشکلات محصل از قبیل نداشتن آب و برق سراسری، به افشای هیئت حاکمه پرداخته و اهالی زورآباد را به اتحاد عمل در جهت تحقق خواسته‌های عادلانه‌شان فراخوانده است. در ادامه مقاله روش هیئت حاکمه، بهره‌کشی که در مردم دفاع از حقوق خود برآمده با شدت مارک ضد انقلاب می‌زند، بخوبی افشاء شده است. در همین رابطه چنین می‌خوانیم:

استغاده کنند، نه اینکه زبی آبی هر روز کار و زندگی ما و بچه‌ها بشان را رها کنند و سطل‌های آب را بردارند و برون‌سراغ و بی‌بلاهای اطراف و با سراغ فشاری که در خیابان برغان است و زحمتگشان فشاری جمع می‌شوند، و سربک سطل آب کارشان به دعوی و فحش کاری می‌کنند و آخر سر هم به نکستن سربکی از طرزین می‌انجامد. دلیل این همه محرومیت‌ها و رنج‌ها چیست؟ چرا باید در یک قدمی زورآباد دو سطل‌های آذمیای بولد را با داشته‌ها تندولی زورآباد بهای فقیربهای یک سطل آب اینچنین زحمت و زجر بکشند.

آقای قطب زاده ره‌نبر را دیونولویزیون در حرف‌ها بشان می‌گویند:

بایرهنه‌ها انقلاب کردند و این انقلاب با تمام مزایایش مال آنهاست. ولی کوه؟ حر حرف ما عملی از دولت یا کما فی دیگر بنوع زحمتگشان ندیده‌ام؟ اگر ما انقلاب کرده‌ایم باید ما آب و برق بدهید ولی ما عملاً می‌بینیم که حرف‌های آنها دروغ است چون ما چشم داریم، گوش و عقل. آنها می‌گویند بایرهنه‌ها انقلاب کرده‌اند، ولی به ویلانیست‌های بول داریم سرسرد. به نعت دست‌ها و نفاذ دیگر. ولی شما مارک ضد انقلاب می‌زنید. این است مراسم انقلاب برای بایرهنه‌ها؟

آقای فرماندار کرج در سخنرانی که برای اهالی کرج می‌کرد می‌گفت: این آب حرام است. ولی یکی از کارگرها گفت "اگر شما توانستید که روزی ما را زندگی کنید در این محل، آنوقت شما راست می‌گویند."

شما در بهترین ویلا با آب سرد و گرم در شیرها با بدیم بکشید آب حرام است. و هر وقت که ما بل با سدمینوا بیدوستی هم بگیری ولی ما خود را هم. ما آب می‌کشیم، نه شما و نه هیچکس دیگری نمی‌توانند طوما را بگیرند. در جامه سرمایه داری ما کارگران و زحمتگشان کار می‌کنیم، جان می‌کنیم و خون می‌خوریم، دست‌ها - بمان تا اول می‌زند، کمرمان خم می‌شود، ولی نمره کار ما را منسی سرما بدهد زرا لوصفت می‌فایند دوست آخر ما را ما ندیدیم فرسوده‌ای از کارخانه‌ها بیرون می‌اندازند. حیوانات از ما بهتر زندگی میکنند آنها در طبیعت از آب استفاده میکنند ولی ما از ابتدائی ترین حق انسانان، یعنی آب، برق، مسکن و... محرومیم. ما هیچ چیز نداریم که از دست بدهیم. فقط با آنجا در میان خودمان و سایر زحمتگشان درد بکشیم و ایران می‌توانیم درین فقر و کسبکی و بهره‌کشی را از بین ببریم و سرمایه داران را سبک‌بار بدنیروی اتحاد زحمتگشان، محرومان و رنجبران، برای اعمال طامنا بدوستگشان برسانیم!



چمران و دیگر جلادان خلق کرد را باید محاکمه کرد

مصطفی چمران اکنون وزیر دفاع جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب است. او دوره ضد خلقی خود را در ضدیت با خلق فلسطین و نیروهای مترقی لبنان و مشارکت در سرکوب آنها هم دست با نیروهای دست راستی لبنان دیده است. پس از واگونی رژیم شاه با توجه به قدرتی که با ندا و بزدی و طباطبی (... در دستگاه حاکمه داشتند) ایران آمد و نتوانست با خدای انقلابی خود را در بازی "ساواک جدید"، در کمک همجانیه نظامی و مالی به سازمان دست راستی امل در لبنان، و با لاف و درجنگ افزونی در کردستان بکا ر گرفت. او را رودسته قیاده موقت را "مهمن" ایران خوانند، او مانند پهلوان پنبه-ها در کردستان رجزخواند که هم برای رزم آمده است و هم برای بزم. و اگر بقا و مت مسلحانه و قهرمانانه خلق کرد نبود چرا جدا خلق کرد بزم خود را بیا میگردد. اما بپوزه، او و همدستانش در کردستان بخاک مالیده شد. آنها با رهم در کردستان جنگ افزوری میکنند و نمونه ای از علامه غلاظ و شادای است که روز جمعه همزمان با حمله ویدگوشی آیت الله منتظری به رهبران خلق کرد ما در شد و بدستور چمران تفسیرهای تحریک کننده ای از بخش کردی را دیو همراهِ با شهیدهای شدید بخش گردید.

چمران با بدبختی یا تش در لبنان علیه خلق فلسطین که هم رزم و هم سنگر خلقهای ایران است و هم بخاطر جناحی که در کردستان مرتکب شده همراه با همدستانش در دادگاه انقلابی خلق محاکمه شود.

تظاهرات مردم محمودآباد (شمال) برای انحلال کمیته شهروندی فضای قانون اساسی بدنبال اعمال ضد مردمی کمیته محمودآباد، مردم شهر که دیگر به تنگ آمده بودند در روز سه شنبه ۶ آذر متحداً خواستار انحلال فوری کمیته و محاکمه عناصر فاسقان شدند. جمعیت انبوهی از جوانان شهر، کارگران دهقانان و مسافران به همین منظور دست بیک راه-پیماشی اعتراض زدند و خواستار اعلام رسمی انحلال کمیته شدند. این خواست در اثر فشار مردم انجام گرفت و آخوند شهروندی انحلال کمیته را اعلام کرد. راهپیمایان که با استقبال وسیع مردم روبرو شده بودند ضمن دادن شعارهایی شدت میریایستی و فدا رتجایی و حمایت از مسازات عادلانه خلقها همچنان تحریم رفتارندم قانون اساسی، پس از دو ساعت راهپیمایی در جنب زاندا رمری اجتماع کرده و طی خواندن قطعه "دیپلمه های بیگانه دست به افشای رژیم و عوامل کمیته و مشمولان قانون اساسی خیرگان زدند. جمعیت در پایان با دادن شعار "کردستان کردستان گورستان فاشیستان" به آراشی متفرق شدند.



خلقهای ایران شد. اینک این حزب با اعتراض فاطمیه خلق ستمدیده، گرد و بر سر است. چه در جریان جنبش مقاومت کنونی خبا نهای حزب توده را درک نموده است. و به همین دلیل شعار میدهند.

"توده بی دژی خدک، تا مانده بی بی کدک، ای توده ای ضد خلقی ترا میخوایم هم نمری برای خلق نداری، حزب توده ما رنگار، فرصت طلب خبا ننگار، مرگ بر حزب توده"

"دفتر حزب توده، تعطیل با بدگردد"

آنها بر علیه سخنان منتظری نیز شعار می-دادند و می گفتند:

"منتظری غده دهک، تو همین به خد لکی کورده کا"، "منتظری غلط میکند، که به خلق کرد تو همین میکند".

بان لگه له" (زنده باد نیروهای کومله- که کاک فواد همراه آنهاست) را تکرار میکردند، به بیست و زیمشمرگان رفتند. نظم حرکت بی شمراگان در سردیف در میان شور و شوق و شادای مردم منظره خاصی به شهردا ده بود. عده ای از شوق میگریستند و عده ای از تهل می خندیدند و عده ای بر سر بی شمراگان نقل و نبات میریختند. لحظه به لحظه بر تعداد استقبال کنندگان اضافه می شد و باز از نیز تعطیل شده بود.

جلادان اهالی دهکده های "قارنا" و "کانی مام سید" باید محاکمه گردند



(روزنامه اطلاعات ۱۳ آذر ماه ۱۳۵۸)

مهلباد

۵۸/۹/۲ - تظاهرات وسیعی از طرف مردم مبارز مهلباد بدین عنوان اعتراض بدستخان توهین آمیز منتظری امام جمعه تهران صورت گرفت که در آن شعارهایی به طرنداری از رهبران و شخصت های ملی و مذهبی کردستان داده شد. در این تظاهرات و همچنین تظاهرات شهرهای دیگر کردستان موج جدید اعتراضی برپا گردید و در اغلب این تظاهرات شعارهایی بر علیه ساژنی-کاران و فرصت طلبان از آن جمله "حزب توده" مطرح گردید و این ثابت میکنند که خلق رزمنده کردانسی توان فریب داد. آنها هنوز تراشوش نگرده اند که همین حزب توده ایران در جریان سالهای ۲۵ تا ۳۲ مرتکب جنایات خبیثی در حق

مریوان

(بقتل از خیرنا مکومله ۱۵ مورخ ۵۸/۹/۸)

بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۹/۲ چند صد نفر از زیمشمرگان سازمان زیمشمرگان (کومله) به دنبال درخواست مردم مریوان و بی انصمیم فرماندهی نیروهای پیشمرکه، در میان استقبال انقلابی مردم مبارز مریوان وارد شهر شدند. کارگران، بازاریبان و دانش آموزان مدارس در جالیکد شعار "بزی هیزی کومله، کاک سواد

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



باهم بکارید ای دستهای توانای روستائیان شوشر

دیگر اقتدار زحمتکش جا معداست کعبه بیستی می برید و بیژنگوسی رژیمنا دهنزیه یا بمردی و جانبازی همین ها صورت گرفته است .
در شرایط کنونی چه در رابطه با روستا - ثباتی که زمینهای ملاکین را به تصرف درآورده - اند و چه در رابطه با آن روستائیان که هنوز مشغول مبارزه برای تصرف زمینهای مالکین بزرگ هستند ، نکاتی را باید یادآوری نمود - شیم که در جهت ادامه این مبارزه و حفظ دستاوردهای مبارزاتی شان ضروری بنظر می رسد :

۱ - دهقانان بی زمین و کم زمینی که هنوز به پیروزی دست نیافته اند باید برای پیشبرد مبارزات خود و جلوگیری از تفرقه ، و برای حفظ یکپارچگی خود در مقابل زمینداران و مالکین بزرگ چند نفر را بعنوان نمایندگان خود انتخاب کنند که از بهترین ، مبارزترین و آگاهترین آنها باشند . این نمایندگان رهبری مبارزه را به عهده گرفته و به آن نظم می بخشند .

۲ - دهقانان با بدبختیهای عمومی با یکدیگر تشکیلات دهند تا در جریان پیشبرد مبارزه بوده و ضمن جمعبندی از حاصل کار خود ، راههای پیشبرد مبارزه ، خود را در آینده ، تعیین کنند و از اختلاف و چندگانگی جلوگیری شود . این مطلب برای دهقانانی که به پیروزی دست نیافته اند نیز صادق است چرا که انتخاب نمایندگان - گان آگاه و مبارز و بزرگاری جلسات عمومی ، دستاوردهای مبارزاتی آنها را در مقابل توطئه های بعدی مالکین ، حفظ میکند .

۳ - دهقانان با ایدئسی کنند که از نفوذ دهقانان مرفه در میان خود جلوگیری کنند و نگذارند که رهبری مبارزات شان بدست آنها بیفتد . آنها همچنین باید از نفوذ ملاکین و عناصر مرتجعی که بهیچ وجه از در دورنج دهقانان بی زمین و کم زمین بوشی نبرده اند در میان خود جلوگیری کنند تا آنها ... سدی در مقابل مبارزات دهقانان ایجاد نکنند و یا احتمالاً از دستاوردهای مبارزاتی دهقانان زحمتکش بشفیع خود ، سودجویند . این امر برای دهقانانی که به پیروزی دست نیافته اند نیز قابل توجه است . چه با نفوذ دهقانان مرفه و ملاکین در میان آنها و تفرقه انداختن در میان نشان ، زمینه برای توطئه ها و دسائیس ملاکین فراهم می شود .

۴ - دهقانان باید بدانند که میتوانند با سایر روستائیان که چنین مبارزاتی را در آنها وجود دارد ، تماس گرفته و مبارزات شان را با یکدیگر هماهنگ نمایند . دهقانان در این راه باید از کمک روشنفکران انقلابی و گروهها و سازمانهای مبارز که در راه مبارزاتی زحمتکشان مبارزه میکنند ، سودجویند .

آری ، هماین مبارزات و جنبشهای دهقانانی علیه زمینداران بزرگ ، درستی از مبارزه فعال آنها علیه امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا و به همراهی سایر زحمتکشان بقیه در صفحه ۱۴

های "راتق" نهفتند اما مه دارد . و چون در مقابل این عمل متحد دهقانان کاری از عهده راتق و افراد کمبخت بر نمی آید ، دست از مبارزه را زتر به شهر برمی گردند .
روستائیان قهرمان نعیماً با دستان کسوف زمین را در اختیار خود دادند .



کشا ورزان روستای "محل" از توابع شوشر به تاریخ ۵۸/۹/۵ دست به تصرف زمینهای امیر حسین خان زده و بطور مشترک دست به شخم زمینها میزنند . این عمل قهرمانان آنها با استقبال روستائیان دهات مجاور و روستا شده و آنان نیز دست به تصرف زمینهای همین فرد میزنند . روستائیان این دهات بطور شورایی زمینها را در اختیار خود گرفته اند و همگان کسوف اولین بذراشراکی را بر زمینها می پاشند .

کشا ورزان روستای نعیماً با دستان توابع شوشر که حدود ۲۰ خانوار در آن زندگی می کنند ، بر روی زمینی کشت میکنند که از آن فردی بنام "راتق" میباشد فرد مذکور در شهر شوشر صاحب تنها فروشگاه هیلاکوفروشی شهر است . چندی قبل کشا ورزان دسته جمعی به سر مزرعه رفته و و شبانه ها زن و بچه خود به شخم آن می بردند . فردا صبح که راتق جهت سرکشی زمین بده می آید ، خود را با عمل روستائیان روبرو میبیند . وی فوراً به شهر میرکشته و یک ماشین بزرگ ، سنگ برای حصارکشی دور زمین به روستا می فرستد و خود نیز همراه با افراد مسلح کمبخت بدستال آن می آید .

کشا ورزان با مشاهده افراد کمبخت در کنار "راتق" بخشم آمده و در در زمین مزروعی دست به تظاهرات زده و شعار می دهند که "تافتح زمین -

هر چه گسترده تر باد جنبشهای حق طلبانه دهقانان علیه ملاکین! پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان!

مبارزات دهقانان بر علیه زمینداران در مازندران اوج تازه ای یافته است . در همین رابطه "حوزه مازندران" سازمان اعلامیه ای انتشار داد و در آن رهنمودهایی را به دهقانان مبارزان ارائه کرده است . در زیر متن این اعلامیه و بعضی اخبار مبارزاتی دهقانان (از طرف آمل و نور) را مطالعه میکنید :

مبارزه علیه مالکین بزرگ از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

شورخدا امپریالیستی نویستی که در میان توده های عظیم میهن مان دمیده شده و همه اقشار و طبقات زحمتکش را به حرکت در آورده است ، در میان دهقانان نیز بیسی تا شیر نبوده و تحسیرک تا زوا میدبخشی را در میان آنها بوجود آورده است . این شور مبارزاتی وفد امپریالیستی در میان دهقانان ، در ادامه خود دوست بیشتری یافته و همراه با آن موجی از جنب و جوش و مبارزه در میان دهقانان بی زمین ، این ستمکش - ترین قشر روستائیان ، علیه ملاکین و زمینداران بزرگ برانگیخته شده است .
ما طی همین مدت کوتاهی دهها نمونه از این مبارزات را در روستاهای ("کمانگر کلا" "انبار ده" "کلکین" "چنگاز" و ...) سراغ داریم و اخبار واصله از سایر شهرستانها و نیز صفحات روزنامه ها گویای این مدعاست . تاکنون در برخی از دهات چون "علی آباد" "کمانگر کلا" "چنگاز" و ... دهقانان با پیگیری و یکپارچگی فراوانی که در طی مبارزات ، از خود نشان

داده اند به پیروزی رسیده اند و در سایر یزدها نیز در آستانه پیروزی هستند .
این حرکت علیرغم سنگ اندازیها و توطئه های ملاکین مرتجعی که این تصرف زمین را "غصب" دانسته و به اصطلاح از نظر شرعی حرام قلمداد کرده بودند ، صورت گرفته است .
این مبارزات علیرغم تشلیفات نیروهای مافوق "حزب توده" که چنین حرکاتی را انحرافی و بعنوان اخلال در مبارزات ضد امپریالیستی قلمداد می کنند صورت گرفته است . آنها بدروغ ادعا میکنند که مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین علیه زمینداران بزرگ در درون نیروهای ضد امپریالیستی شگاف انداخته و مبارزات ضد امپریالیستی ما را از مسیر اصلی خود منحرف می کنند !
حال آنکه مبارزه واقعی علیه امپریالیسم را در شرایط کنونی نه زمینداران و ملاکین بزرگ ، نه سرمایه داران و تجار گردن کلفت بلکه همین توده های عظیم کارگر ، دهقان و

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



ریشه‌های بحران مسکن در ایران

- ۲ -

غارث واستثما رزحمتکشان همراه است. ونیز گفتیم که مسئله مسکن نه تنها در کشور ما بلکه در دیگر کشورهای سرمایه داری با شدت کم و بیش در اینجا و آنجا وجود دارد.

طبیعتاً هنگامیکه مسئله بزرگ تولید و مالکیت خصوصی بر آن مطرح میشود، زمین نیز بعنوان یک منبع طبیعی ثروت از این قاعده مستثنی نیست. هنگامیکه مسئله مالکیت خصوصی بر زمین مطرح میگردد زمین نیز قاعداً میتواند بعنوان یک کالا مورد مبادله و خرید و فروش قرار گیرد و قیمت آن نیز در بازار بر حسب عرضه و تقاضا، میزان سرمایه گذاری و نرخ سود که خود وابسته به میزان انحصار و احتکار آن درجا معممی باشد، تعیین میشود. گرایش به همسپطنی نرخ سود در رشته‌های مختلف اقتصادی یکی از اصول مسلط بر یک بازار سرمایه داری در دوران رقابت آزاد است در حالیکه در این مسئله در دوران امپریالیسم و انحصارات و بویژه در کشور ما که سلطه انحصار - طلباندا انحصارات امپریالیستی وابسته داخلی بر بنا ریبودا اقتصاد آن مسلط بوده است قیمت ارزش کالائی چون زمین ساختمان نه در اثر رقابت آزاد و با گرایش به همسپطنی (که نتیجه آن پس از مدت بیعت منتقل شدن کلیه سرمایه‌ها به آن رشته کاهش نرخ سود در ساختمان سازی و زمین سازی است) بلکه عمدتاً ناشی از احتکار و تسلط انحصار طلبان نه بر این بخش اقتصادی نظیر بخشهای دیگر بوده است. دشواره دارد...

واحد های فعلی مسکونی در شهرها با خصوصیاتش که قبلاً شرح دادیم (که این بویژه برای تهران که بصورت حیرت آوری نیروی انسانی مناطق روستائی را جذب میکند، به رقمی حدود ۸۲/۸۰۰ واحد مسکونی در سال میرسد) طبق همین اظها رنظر ۱۶۵ هزار خانوار در تهران مستاجرند. (#)

این بودشما ی از وضعیت بحرانی مسکن در ایران. علیهذا با یستی به علل و عوامل مسل بنیادی این مسئله که ریشه در اقتصاد سیمار و علیل حا کم بر کشور داردهر چندگاه آنسرا در دستور بحث های روز مردم قرار میدهد بپردازیم. اما ببینیم که از دیدگاه ما آن مسائل اساسی که گره گاه اصلی بحران مسکن در ایران میباشد چگونه بوده و امروز به چه صورتی است؟

هما نظور که گفتیم نظام سرمایه داری به طور کلی با تمایل گریزنا پذیر بسوی سلب مالکیت از مالکین کوچک و انباشت و تمرکز انبزار تولید در دست قشر و عده معدودی جهت (#) - کیهان ۱۱ تیر ۵۶

جدول ۴. وضعیت نحوه تصرف واحدهای مسکونی توسط خانوارها را در سرشماری سال ۴۵ نشان میدهد. همانطور که ملاحظه میشود در سال ۴۵ در کل کشور ۱۶/۲٪ از خانوارها در خانه‌های اجاره‌ای زندگی میکنند. علت پائینی بودن این رقم در سطح کل کشور ساختمان‌های روستائی است زیرا در روستاها عمدتاً ساختمان‌های مسکونی بصورت ملکی است و خرید و فروش منازل و اجاره دادن بیعت عدم رشد تولید کالائی کمتر رواج دارد. رقم مربوط به اجاره در مناطق روستائی که در سال ۴۵، ۵/۱٪ است این واقعیت را بخوبی نشان میدهد. حال آنکه در شهرها ۲۳/۴٪ از خانوارها بصورت اجاره‌ای زندگی میکنند. و ارقام مربوطه در مورد شهرهای استان مرکزی به رقم قابل ملاحظه ۳۹/۲٪ می رسد.

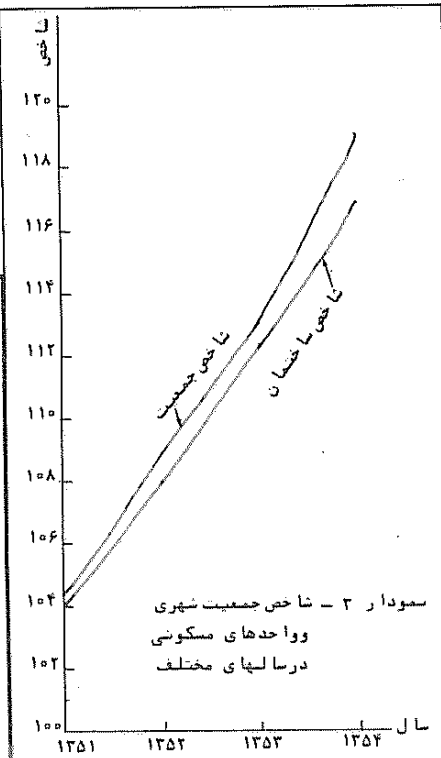
البته واضح است که اجاره نشینی در ایران همواره در حال رشد بوده است زیرا جمعیت شهری سریعتر از ساختن منازل مسکونی رشد کرده است. این جریان را در جدول ۵ و نمودار ۳ که رشد جمعیت و رشد تعداد واحدهای مسکونی را در فاصله سالهای ۵۵ - ۵۱ نشان میدهد، بخوبی میتوان دید.

بهر حال طبق اعتراف کارشناسان رژیم سابق در کشور ما هر سال در شهرها به ۲۰۰ هزار واحد مسکونی جدیداً احتیاج است (بگذریم از

جدول ۴ - درصد خانوارها در مناطق کشور بر حسب نحوه تصرف واحدهای مسکونی

مکان	تصرف ملکی (%)	تصرف اجاره‌ای (%)	تصرف بی‌نوع (%)	سایر (%)
کل کشور	۵۹/۴	۱۲/۲	۱۶/۲	۱۲/۲
نقاط شهری	۵۰/۴	۴/۵	۲۳/۴	۱۱/۷
نقاط روستائی	۶۵/۲	۱۷/۲	۵/۱	۱۲/۵
استان مرکزی	۵۱/۷	۶/۵	۲۹/۱	۱۲/۷
نقاط شهری	۲۸/۲	۲/۱	۲۹/۲	۱۰/۵
نقاط روستائی	۵۹/۹	۱۷/۰	۵/۲	۱۷/۹

ماخذ - نتایج سرشماری عمومی جمعیت ساکن کل کشور در سال ۱۳۴۵ - مرکز آمار ایران



جدول ۵ - تعداد ساکنان ها و جمعیت شهرها در سالهای مختلف

سال	ساکنانهای موجود در مناطق شهری		جمعیت ساکن در مناطق شهری		تعداد افراد ساکن در یک واحد مسکونی	
	تعداد	ناخص	تعداد	ناخص	تعداد	ناخص
۱۳۵۱	۱۷۵۸	۱۰۴/۱	۱۲۹۳۱	۱۰۴/۳	۷/۲۵ = ۱۰۰	۲/۲۵
۱۳۵۲	۱۸۲۵	۱۰۸/۱	۱۳۴۹۶	۱۰۸/۹	۷/۲۹	۱۰۰/۵
۱۳۵۳	۱۸۹۷	۱۱۲/۴	۱۴۰۱۴	۱۱۲/۰	۷/۲۹	۱۰۰/۵
۱۳۵۴	۱۹۷۵	۱۱۶/۹	۱۴۶۸۷	۱۱۸/۵	۷/۴۴	۱۰۱/۲

ماخذ - مرکز آمار ایران

اطلاعه

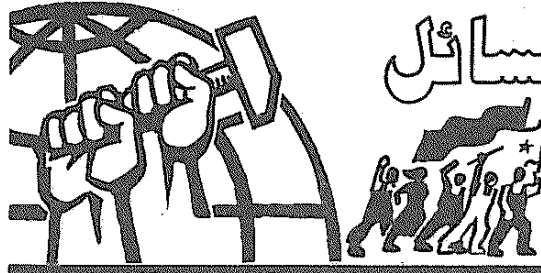
گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر

ورق پاره، رنجبرانگان سازمان ضد انقلابی، در شماره ۲۶ مورخه ۳۰ آبان خود مطلبی تحت عنوان "بیانیه بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر" درباره پیوستن به با صلاح "کمیته تدارک ایجا د حزب کمونیست ایران" درج کرده است که ما خود را موظف به ذکر نکته زیر دیدیم: هیچ فرد یا بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر به با صلاح "کمیته ایجا د حزب کمونیست ایران" نیویسته و امولا اعضا اخگرا بین کمیته و ما در آن یعنی "سازمان اتحاد مبارزه..." را تشکیل بایی ضد کمونیستی و ضد انقلابی میدانند. در حقیقت بیانیه مزبور نوشته فردی از اعضا سابق اخگر است که حدود ۷ ماه قبل بیعت فقدان برنسیب و تجربه سیاسی و تشکیلاتی از گروه اخگر شده است. اعضا اخگرا فتخا ردا رنده که همواره از مواقع انقلابی طبقه کارگر دفاع کرده و دفاع خواهند کرد و برخلاف جوانک نویسنده، بیانیه مزبور هیچگاه به خلق گویی از قدرتهای فاشیستی نپرداخته و نخواهند پرداخت.

ما استفادها ز نام گروه اخگرا ز طرف فرد مزبور را عملی شیادانه و یک دزدی سیاسی قلمداد میکنیم و نشانه بی محتوایی و دروغگو بودن سازمان "فدا انقلابی" و شرکا، میدانیم. "گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر" ۵۸/۹/۳

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

اخبار و مسائل جهانی



توطئه جدید "امل" علیه مردم فلسطین و لبنان و نقش آقای چمران و طباطبائی

سازمان دست راستی "امل" در لبنان که گوشه‌هاش از ماهیت و عملکرد آن رادر شماره - های گذشته پیکاریان کردیم، هم اکنون به کمک همدستان ایرانی خود مانند چمران، طباطبائی و... و از برکت پول و امکانات و تسلیحاتی که بجای فلسطینی ها از ایران دریافت میدارد بصورت یک خطر جدی برای انقلاب فلسطین درآمده و نقش ارتجاعی خود را در ایجاد تفرقه بین توده‌های شیعه در جنوب لبنان و بینا هندگان فلسطینی نشان میدهد. سازمان امل و مرتجعین شیعه که بر شورای عالی شیعیان در لبنان مسلط هستند در تبلیغات خود برای مردم لبنان چنین وانمود میکنند که گویا فلسطینی‌ها میخواهند جنوب لبنان را به عنوان وطن و محل اقامت دائمی خویش بدانند و لبنان تنها را از جنوب اخراج کرده، خود بجای آنها ساکن شوند! تاکنون هیچ فلسطینی و هیچ نیروی مترقی لبنانی تصور آنرا هم نکرده است که فلسطینی‌ها دست از وطن خود بشویند و جای دیگری را بعنوان وطن بپذیرند. لکن این دروغهای توطئه آمیزها اکنون از سوی "امل" و دیگر نیروهای دست راستی و عمال اسرائیل منتشر میشود. ازاین طریق ارتجاع شیعه میکوشد توده‌های ناآگاه و محروم جنوب لبنان را به ضدیت با انقلاب فلسطین و نیروهای مترقی وادارد. انقلاب فلسطین تاکنون نهایتاً صیرو حوصله رادر مقابل این توطئه ردیالانسه بکار برده است اما امل و همدستان آن دست -

بردار نیستند، خیرموشق زیر این حقیقت را فاش می سازد:
"روز عاشورا مقابل حسینیه واقع در محله برج البراجنه بیروت و در حالیکه تعداد دکتیری از مردم برای بزرگداشت این روز اجتماع کرده بودند یکی از افسران الفتح بوسیله افراد "امل" مورداً ما بت گلوله فرار گرفته کشته می - شود. مقاومت فلسطین برای جلوگیری از تشنج عکس العملی نشان نمی دهد ما وضع متشنج میشود. بلافاصله پس از این ترور نا - جوانمردانه، سازمان امل و دارودسته کامل - الاسعد (که از فتودالهای سرشناس جنوب لبنان ورئیس یا رلمان این کشور است) و نیز عده ای از افراد رکن ۲ لبنان (که مثل ساواک مشهور است) وعده ای از عناصر دست راستی لبنان که گوش بزرگ توطئه هستند، حدود ۵۰ نفر مسلح رایسوی حسینیه مزبور می فرستند تا در برابر اقدام متقابل فلسطینی‌ها دست به عمل بزنند."

امل برخلاف ادعای چمران و طباطبائی سلاح خود را بسمت فلسطینی‌ها! و نه اسرائیل، نشان نرفته است. از سوی دیگر سید حسین خمینی نوه آیت الله خمینی که جندی پیش به جنوب لبنان رفته بود و مقاومت فلسطین را تا ثبید نموده و ضرورت همکاری و همبستگی بین شیعه - های جنوب فلسطینی‌ها را مورد تاکید قرار داده بود هم اکنون مورد ختم دارودسته امل قرار دارد و به ونا سزا می گویند.

در پایان این یادداشت عکس از صادی طباطبائی را که هفته پیش چاپ کرده و او را در اسیرم امل نشان می دهد، می آوریم. البته تلویزیون نطق زاده هم با امتحان تمام طباطبائی - شی را در لبنان امل برای مردم ایران نشان داد!



تظاهرات ضد امپریالیستی

دانشجویان لبنانی و عرب عقیم ایوان

روز شنبه ۳ آذر ماه بدعوت دانشجویان لبنانی دانشگاه تهران و با مشارکت دانشجویان عرب و ایرانی یک راهپیمایی ضد امپریالیستی به سمت جاسوس خانه آمریکا آغاز شد. دانشجویان با پلاکاردها و شعارهای خود مراتب تنفر خویش را از امپریالیسم و ارتجاع اعلام کرده از مبارزات خلقهای ایران و عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی نمودند.

راهپیمایی با صفوف منظم به محل جاسوس خانه آمریکا رسید. وقتی از بلندیها اعلام شد که تظاهرات کنندگان لبنانی هستند هزاران نفر از مردمی که در آنجا اجتماع کرده بودند فریاد زدند: درود بر برادر لبنانی، ثوره، ثوره حتی - النصر (انقلاب، انقلاب تا بیروزی) و "امروز ایران، فردا فلسطین".

سپس یکی از دانشجویان لبنانی بیست تریبون قرار گرفت و پس از شعارهای درود بر خلق قهرمان ایران، "مرکز برکاتر، سادات، بگین" و "مرکز بر ارتجاع" طی سخنانی از موج گسترده مبارزات ضد امپریالیستی در ایران پشتیبانی کرد و اظهار داشت که اقدام علیه تسخیر سفارت آمریکا را تنها جزئی از موج ضد امپریالیستی مردم ایران باید تلقی کرد.

وی سپس قطعنامه "مینیگ رایز" را به زبان فارسی قرائت نمود که در آن چنین آمده بود:

۱ - ما از اشغال مرکز جاسوسی آمریکا پشتیبانی کرده و آنرا گام کوچکی میدانیم که باید در خدمت نبرد جهانی و سربو سار علیه امپریالیسم قرار گیرد.

۲ - ما از کلیه نیروهای انقلابی و توده ای خلق های ایران و عرب میخواهیم که در نبرد علیه امپریالیسم متحد شوند.

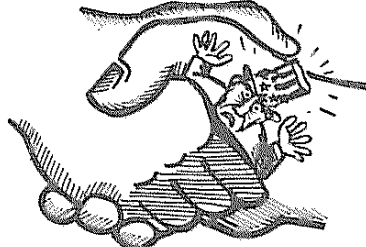
۳ - ما از کلیه نیروهای انقلابی عرب می - خواهیم که با خلق و نیروهای انقلابی ایران در نبرد علیه امپریالیسم مشارکت فعال بسازند.

۴ - ما خواستار قطع کامل نفوذ و سلطه امپریالیسم در کلیه زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و... می باشیم.

۵ - ما نیروهای ارتجاعی عرب و غیر عرب را که در مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران شرکت نکرده اند محکوم می کنیم.

۶ - ما ایجاد "دولت لبنان آزاد" به سرکردگی "سعد حداد" را محکوم کرده و با بودی این دولت دست نشانده را خواستاریم.

۷ - ما هرگونه تهدید یا دخالت نظامی علیه ایران را محکوم کرده، این تلاشهای امپریالیسم آمریکا را مکمل توطئه ضد فلسطینی و ضد عربی و ضد انقلابی کمب ندید میدانیم.



چهارشنبه ۵۸/۹/۱۴ را تعطیل کرده و یک هفته به مسئولان امپریالیست داده اند تا نسبت به نشانهای دستگیری و محاکمه مزدوران ناراجکسر اغدا ما با لازم را معمول دارند. دانشجویان صرف نظر از گروه بندیهای سیاسی من صدور اعلامیه ای یکمدا این اقدام ارتجاعی را محکوم نموده اند.

حمله ارادل و آوانی به دانشکده نقشه برداری شنبه ۵۸/۹/۱۳ عمال ارتجاع ضمن حمله به دانشکده نقشه برداری، کلیه اعلامیه ها و پوستره های موجود در دانشکده را پاره کرده و تلبیم و نوار کنشهای دانشجویان را سرقت بردند. دانشجویان بعنوان اعتراض کلاسهای

رفراندوم قانون اساسی "خبرگان" و موضوعگیری های نیروهای مختلف سیاسی درباره آن

در شماره قبیل راجع به قانون اساسی خبرگان صحبت کردیم و گفتیم که چگونه این قانون با توجه به اینکه خواهانهای دموکراتیک و رضا میریالیستی بوده با سخ نمیدهد و بسا توجه به اینکه حقوق مسلم و اولیه کارگران، یعنی حق اعتصاب بر ابراهیمیت نمی شناسد و ساعت کار در هفته را برای آنها قبول ندارد... قانونی ضد انقلابی و ارتجاعی است. با توجه به این مسئله و همینطور چگونگی تشکیل خبرگان ما شرکت در رفراندوم قانون اساسی را تحریم انقلابی کردیم. و اینکه می پردازیم به موضوعگیری جریاها و نیروهای مختلف سیاسی:

لیبرالها و قانون اساسی

الف - لیبرالهایی که در انتخابات شرکت کردند

جریانهای مختلف بورژوازی لیبرال بسته به سهم داشتن یا نداشتن در قدرت سیاسی فعلی، مواضع به ظاهر متفاوتی در مقابل قانون اساسی گرفتند. جریانهای نظیر "نهضت آزادی ایران" که با شما یندگان چون با زرگان، و سحابی و... در هیئت حاکمه حضور دارند، و با حزب ملت ایران، که فروز در را س آن قرار دارد، برای تشبیت موضع و موقعیت خویش و درست بهمین دلیل که این قانون سه منافع خلق بلکه منافع بورژوازی را تامین میکند به آن رای مثبت دادند. آنها بخصوص از آنجا که اهمیت "نظم" را برای حفظ موقعیت کنونی بورژوازی لازم میدانند. با این قانون موافق اند، سحابی درمات حبه تلویزیونی بخوبی با تکیه زیاد به لزوم تنظیم این خواست را بیان میکنند. با زرگان در این مورد می گوید:

دیشب مهندس مهدی با زرگان در حسینیه ارشاد طی یک سخنرانی دوساعتی از مسردم دعوت کرد که با تعقل و اندیشه و با توجه داشتن به اینکه این انقلاب باید مانند آواز هسر دسیمه بی برکنار باشد به قانون اساسی رأی مثبت بدهید و بدانید که در کناری این قانون اساسی است که مملکت از زمین امواج هرج و مرج به ساحل نجات و رهایی خواهد رسید. می بینیم که با زرگان قانون اساسی را برای رهایی از "هرج و مرج" و در واقع برقرار کردن "نظم" مورد نظرش می خواهد. اما او اسم چه چیزی را نظم می گذارد؟ (با مداد، شنبه سوم آذرماه)

مهندس با زرگان در ۹ ماه گذشته نشان داده است که نظم از نظر او، یعنی اینکه بسا خیال آسوده و راحت به با زبانی ارتش با همان ساخت فدخلقی بپردازد، و کسی اعمال او فرماندهان مزدوری را که او برمی گمارد، افشا نمازد... از نظر او نظم یعنی کارگران بی کارگرسته بخوابند و حتی بمیرند ولی اعتراض نکنند، بلکه "میر" بکنند...

از نظر او نظم یعنی کارگران تا غل فریاد

نزنند که سرمایه های وابسته با ید ملی شود، نگویند ۴ ساعت کار در هفته، و سرمایه داران وابسته را زکارخانه ها اخراج نکنند، از نظر او نظم یعنی فراهم آوردن شرایطی برای بازی سیستم سرمایه داری وابسته به راه انداختن کامل آن و...

آری نظمی که او از آن نام می برد یعنی "دیکتاتوری بورژوازی" یعنی حاکمیت طبقات و اقشار بورژوازی و ارتجاعی بر خلق و این نظمی است که همه لیبرالها آنرا دوست دارند!

ب - لیبرالهایی که

در انتخابات شرکت نکردند

جریانهای دیگر بورژوازی لیبرال، نظیر "جبهه ملی ایران"، "جمهوری خلق مسلمان" و آیت الله شریعتمداری، در این انتخابات شرکت نکردند. آنها برای کار خود "دلایلی" داشتند، "جبهه ملی ایران" از آنجا که در "خبرگان" نما ینده ای نداشت و با بهترین و گویم از آنجا که با شما نتوانسته است در قدرت حاکمه سهم پیدا کند، فرمولی برای تصویب قانون اساسی "خبرگان" ارائه میدهند که بخوبی امیال خود غرضهاش را به شما پیش می گذارد:

"... پیشنها میکنیم در اوضاع و احوال فعلی دستور فرما شیدا انجام رفراندوم بطور موقت متوقف شود و انتخابات مجلس شورای ملی بر اساس هر یک مدهوز و رفرانهای کشوریک نفر نماینده برای مردم انجام گیرد و طرح مصوب مجلس خبرگان و همچنین طرح پیشنهادی دولت موقت و سایر پیشنهادها تکیه برای تکمیل طرح مذکور تنظیم و ارائه شده است به مجلس شورای ملی داده شود... (تا) به کار تدوین قانون اساسی نیز بپردازد... (از نامه "جبهه ملی" به امام خمینی، آذرماه ۵۸)

آری، آنها می خواهند در چنین مجلسی (مجلس شورای ملی) حضور یابند و فرصت چانه زدن برای به کرسی نشاندن خواسته های بورژوازی خود داشته باشند. ممکن است پرسیده شود مگر نه اینکه همین قانون اساسی بورژوازی است پس چرا اینان را خوش نما مده است؟ در پاسخ باید گفت قانون اساسی فعلی در عین حال که ماهیت کلا بورژوازی و ارتجاعی دارد ولی تبدیل اینکده یوندهای مذهبی برای آن زده اند، بدلیل اینکه به "فشرمتناز و حاکمیت" موقعیت خاصی بخشیده است، حکومت کلا بورژوازی را تضمین نمی کند و حاکمیت کل بورژوازی را با حقوق برابر در نظر نگرفته است، و به همین جهت "جبهه ملی" مجبور است هنوز برای داشتن حق برابر با دیگر جریانهای بورژوازی چانه بزند. هر چند که دیگر عمر تاریخی شان بسر آمده باشد.

حزب جمهوری خلق مسلمان و آیت الله

شریعتمداری نیز به برخی "تناقضات" در قانون اساسی اشاره کرده و آنرا بهانه عدم شرکت خود در رای گیری می نماید: "حزب جمهوری خلق مسلمان" عمده دلیل خود را، برای عدم شرکت "بها مو تناقضات این متن (که) حاکمیت ملی را نقض میکند" اعلام کرده است (شماره ۱۶ روزنامه خلق مسلمان). در این بیانیه ضمن اشاره به اصول ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۶ که بدرستی بیان آنکار تناقض آراء ملت و ولایت فقیه است، آمده است که: "در اصل اینجا هوشم متن مزبور گفته شده که به موجب یک حق الهی انسان بر سر بنوا اجتماعی خویش حاکم می باشد و هیچکس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند، پس چگونه بموجب اثر مواد این متن پیشنها دی فقیه اختیاراتی پیدا کرده است که میتواند این حق... را... از آنان سلب کرده یا کنترل نماید". در واقع لب مطلب مخالفت با ولایت فقیه است. چرا که اینان با حاکمیت فقهایی مورد نظر آیت الله خمینی، نیک میدانند که نخواهند توانست در قدرت سهم یابند تا بتوانند امیال و خواسته های بورژوازی شان را بیسی ببرند.

آیت الله شریعتمداری اصلی ترین علل عدم شرکت خود را چنین توضیح میدهد: "دو اصل ۶ و ۶۶ که مطابق مقررات تشریحی نیز میباشند، حاکمیت ملت را تشبیت و تقریر کرده اما اصل ۱۱۰ قانون اساسی اختیارات مردم را از ملت سلب کرده..."

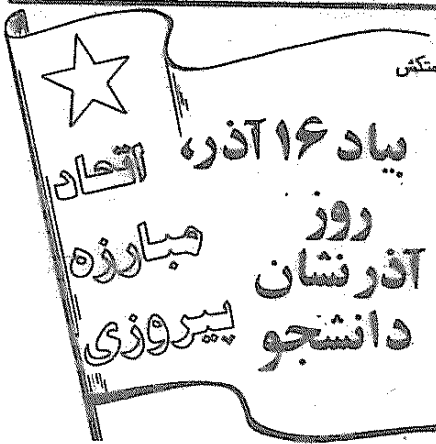
بنابراین می بینیم علت اصلی مخالفت او همین اصل ۱۱۰ است که اختیارات بسیار زیادی را بطور انحصاری در دست آیت الله خمینی متمرکز میکند. یعنی او با اصل ۵ یعنی ولایت فقیه مخالفتی ندارد، اما با نحوه پیاده شدن آن که در اصل ۱۱۰ بطور انحصاری مشخص آمده است مخالفت میکند.

جوهر هر دو استدلال حزب جمهوری خلق مسلمان و آیت الله شریعتمداری یکی است: مخالفت با انحصاری آن جناح از روحانیت که گرد آیت الله خمینی جمع شده اند. و تلاش برای کسب آزادی برای سهم نندن در قدرت است.

وجه مشترک لیبرالهایی که در انتخابات شرکت نکردند و آنها که شرکت کردند

اما ما می لیبرالها جدا نماندیم در قدرت سهم نداشتند و آنچه که در قدرت سهم ندارند در یک چیز نزدیک خلعت اساسی با هم یکی هستند و آن "خود غرضی" و فرسنگها فاصله داشتن از خواسته های نبوده ها و ایراداتی که از نقطه نظر منافع آنان به قانون اساسی وارد است. می بینیم نماینده های سهم در قدرت

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشانشان



مراسم پرشکوه روز دانشجو چگونه برگزار شد ؟
دانشجو، محصل، پیوند با زحمتکش، پیوند با زحمتکش

اینک در تلاطم امواج خروشان مبارزات خلق،
قطره‌های خون سه شهید فدا میریالیست دانشگاه
مهدی شریعت‌رضوی، احمد قندچی و مصطفی -
بزرگ نیاتاز تر از همیشه می درخند و پیاد
می آورده این سه دانشجوی مبارز، آتش
مبارزه را بر علیه امپریالیسم ورزیم دست -
نشانده اش، برشرفتر نمودند.

هر سال ۱۶ آذر، دانشجویان سوگند
خویش را در بندگی و تالیفات بی جان با امپریا -
لیسم و ارتجاع، تجدید میکنند و شجاعانه سه
همچنان به پیش می روند. ۱۶ آذر روز آذر -
نشان مبارزه دانشجویان است.

برای تحکیم سوگند و تجدید عهد با دانشجو -
یان شهید، دانشجویان مبارز، دانشجویان
هوادار راه کارگردان دانشجویان هوادار ساز -
مان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر در
دانشکده پلی تکنیک گرد آمدند. علاوه بر
دانشجویان، دانش آموزان و گروههای مختلفی
از مردم نیز در این مراسم شرکت داشتند.

دانشجویان در سخنرانی‌هایشان از امپریالیسم
و ارتجاع گفتند، از کردستان قهرمان و از مبارزات
خلق تجلیل کردند و شعرهای انقلابی خواندند.
دانش آموزان سرود سردادند. شریعت -
رضوی، قندچی و بزرگ نیارا خواندند که در
نمایش خون سرخ تمامی شهیدان دانشگاه
متبلور است. آنان که سرافرازانه در مبارزه
با امپریالیسم و دیکتاتوری رژیم وابسته شاه
خاشن، خون خویش را به پیشگاه خلق قهرمان
ایران هدیه کردند، و پس از مرگوتی سلطنت
خیا بر پهلوی، از آنجا که آتش عشق به خلق

در سینه برآزورشان شعله میگردد. از مبارزه
با ارتجاع و دخالت دست برینداشته و در ایست
راه به شهادت رسیدند. با خروششان که در
سنگر مبارزات کارگران پیوند و پیوستگی
پیوند کارگران دانشجویان مبارز، احسن ناهید -
ها، شهربانان مهمل و میرنگاری ها که بجرم
دفاع از آرمای خلق، شهید شدند... دهها
و دهها دانشجوی شهید که نشان در سینه خلق
حک میبندد و خاورمان قلم مبارزان را بر سر
از اراده و نور انقلابی مبارزه درود آورد.

بسیار مبارز و کارگران مبارز و جوانان
شد. کارگران آگاه، مبارزان فدا امپریالیسم
دانشجویان را، ستانده معلمان خوبی اوج
می شدند. مراسم با بیان سنگر دورا امپریالیسم
سوی دانشگاه تهران آغاز میشود.

مخوف بیم فشرده راه همپایان، مسوچ -
زمان بر سینه خیا سان من لغز و پیا همپا می
شهیدان را همپا می آورد.
"خون شهیدان خلق میدهدت این پیا مرگ بر
آمریکا، مرگ بر ارتجاع!"

پلاکاردها بر فراز جمعیت آویخته است.
شعارها امپریالیسم و ارتجاع را هدف قرار
داده است:
"مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی ما"

اساسی را مترقی میدانند چرا که خواهان قطع
سلطه امپریالیسم آمریکا نیست.
ادامه دارد...

(نظیر فروهر، سحابی، بازرگان) و سه
لیبرالهایی که در قدرت سهم ندارند (نظیر
آیت الله شریعتمداری و جبهه ملی...) هیچ -
کدام از نادیده گرفته شدن حقوق خلقها، به
رسمیت شناخته شدن سرمایه داری وابسته،
با خیال کردن حق اعتصاب برای کارگران و
سحدود نکردن مالکیت بزرگ... حرف نمی -
زنند و نمی توانند بزنند چرا که آنها اساساً
بر ضد زحمتکشان و منافع آنان هستند. آنها
که در قدرت سهم دارند آنرا برای "نظم"، برای
نوسازی سیستم سرمایه داری وابسته ایران یا
اعمال دیکتاتوری خود و بارانشان لازم میدانند و
آنها که در قدرت سهم نیستند از اینکه بسا
موانعی نظیر ولایت فقیه، و یا قدرت دادن به پیش
از حربه آیت الله خمینی، که باعث میشود که
اینها بقدرت دست پیدا نکنند راضی اند و
تنها مخالف "نحما رطلبی" قدرتمندان هستند
ولا غیر. بنا بر این هر دو فقط و فقط بخود فکر
میکنند و به منافع بورژوازی خود.

رویزونیستها و قانون اساسی

الف: موضعگیری رویزونیستهای
سه جهانی:

آنها با عنوان ساختن تفاهت دساتنگی سه
عنوان تفاد عمده "یعنی تفاد خلق با امپریا -
لیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و تعیابز"
قرار دادن آن میگویند:

"قانون اساسی جدید موقتی" است (اعلامیه
سه سازمان رویزونیست سه جهانی - سازمان
انقلابی و شرکاء - در تاریخ ۵/۹/۵۸)

آری، از نظر آنان باید هم این قانون
"موقتی" باشد چرا که آنان از درون سرداب
رویزونیستی خود حرف میزنند و نمیتوانند
شکوه و خروش خلق ما را بر علیه امپریالیسم
آمریکا ببینند بلکه آنها از دیدن این مبارزه
افسرده خاطر نیز میشوند | چرا که آنرا بسبب
ضرر رویزونیستهای حاکم برجین میدانند |

آنان از درک تفاد عمیق خلق ما با امپریا -
لیسم آمریکا عاجز هستند و به همین خاطر آنها
نه فقط از اینکه قانون اساسی "خبرگان" از
دشمن اصلی طبقهای مایعی امپریالیسم
آمریکا اساسی نیز برده تا راحت نیستند،
بلکه قلباً راضی نیز هستند. آنها نه فقط از
اینکه این قانون خواهان قطع سلطه امپریا -
لیسم آمریکا نیست، تا راحت نیستند بلکه
لیبرال فایده نیز برسان خود دارند. چرا که
از نظر آنان باقی ماندن و ادامه سلطه
امپریالیسم آمریکا، با خرابی و تخریب از نفوذ
شوروی نه فقط بد نیست بلکه بسیار خوب تر

است آنان بین خود و خود «ای زحمتکش و خلق -
های بیخوار است ایران که تنها با آنکه» بر
آنها میتوان ضمن قطع سلطه امپریالیسم
آمریکا مانع از نفوذ و حاکمیت سوسیال امپریا -
لیسم روس برای ایران گردید، رابطه ای
نمی بینند. بنا بر این حاضرند فدا انقلاب
و با هرگونه دوا رنجایی که نسبت به سوسیال -
امپریالیسم روس گزاشته باشند بند و
بست کنند. در این راه است که آنان به

خلقهای مایست کرده اند، بر جلادی خلق کرد
مهرتا مید میزنند، چرا که "حزب دموکرات" جز
یکی از پیروهای سیاسی کردستان است. قانون

فدا واحد، اتحاد در اندامی دهد:
"اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم"
فریادها، دانشجویان دانش آموزان مبارزه
سوی کارگران و زحمتکشان فرا میخوانند، آنجا
که نیروی لایزال خلق نهفته است:

"دانشجو، محصل پیش بسوی پیوند با مردم
زحمتکش!" "دانشجو، محصل پیوند با زحمتکش
پیوند با زحمتکش!"

فدا پرا ز فریاد مبارزه است و سینه هسا
لیبریز از شوق:
"سرمایه وابسته بدست زحمتکشان ملی بایست
گردد!"

تک صداهای از گوشه و کنا رسمی میکنند
این فریاد متحدانه را بشکنند، اما موفق نمی -
شوند. جمعیت در پیاده رویا شوق به صف می -
نگردند و راهیما یان همچنان به پیش میروند:

"قانون اساسی خبرگان، زنجیر بهت بیای زحمت -
کشان"، "فقروستم با ستما در فاقون خبرگان،
همچنان با برجاست"

آری، تنها کسانی بواقع فدا میریالیسم
هستند که در کنار زحمتکشان قرار دارند و نسبه
در مقابل آنان:

"کرد، عرب، ترکمن، مبارزان و قومی علیه امپریالیسم
"مبارزانی، خلق دلاور کرد، مبارز و قومی علیه
امپریالیسم"

تنها نیروی خلق است که پیگیرانه مبارزه
فدا میریالیسمی را پیش می راند، چرا که
رها می آورد و فدا بودی این گول جهان خوار
است:

"با زکشت شاهان، با عدا مناه خاشن، کوچکترین
خواست خلق"، "مهمترین خواست خلق، نابودی
آمریکا، نابودی ارتجاع"

فدا فدا نشگاه نزدیک میشود، شمار
همیشه بر خروش دانشجویان فدا را بر میبندد:
"اتحاد، مبارزه، پیروزی"

خیابان میلرزد، صف طولانی راهیما -
یان وارد دانشگاه، این سنگر آزادی میشود.
فریاد "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، همچنان بلند
است.

راهیما یان به دانشگاه فنی میرسند،
آنجا که خون اولین شهیدان دانشجویان گونش
کرده بود، پس از آن روز دانشگاه هرگز آرام نبوده
است. هر سال دانشجویان شهید شدند، بچنگ
سواک افتادند، ولی از مبارزه روی برنشا -
فتند. و اینک، جمعیت در درگاه دانشگاه فنی،
بیا دستهای آنان، و دستهای شهدای دانشجویان
درود می فرستد. ما همه با این شعله های سرکش
درود می فرستیم، با دستان گرامی باد!

بقیه از صفحه ۲
بدست است ...

وسایعی متشکل می شدند. کمیته‌های ایالتی حزب توده که در فروردین ۱۳۲۱ شروع به فعالیت کرد تا زمانی که تشکیلات فرقه دموکرات ایران رسماً فعالیت خود را آغاز کرد (۱۲ شهریور ۱۳۲۴) تنها تشکیلات سیاسی بود که جنبش دهقانان و زحمت‌گشان آذربایجان را رهبری میکرد. زحمتگشان زیر فشار طاقت‌فرمای زندگی و سرکوب و وحشیانه هیئت خاکمه بد حزب توده روی می آوردند. ولی حزب توده ورهبری ایورتونیست آن حزبی نبود که بتواند این سیل خروشان توده‌ها را رهبری کند. رهبران حزب توده هیچ روی انقباض اجتماعی را پیش روی خود نمی گذاردند. این سازندگان جزاینکه از حمله، اوبانی و جاسیان به سازمان‌های حزب خود و جرح و کشتار اعضا و هواداران و زحمتگشان نالند و زاری کنند هیچ کاری بحزبان‌نگاری به این و آن انجام نمی دادند. این مسئله و وجود یک موقعیت انقلابی برای یک قیام توده‌ای مبارزین و آرا دخواهان آذربایجان را بر آن داشت که تشکیلات مستقلی برای خود بوجود آورند و انقلاب اجتماعی را با هدف سرنگونی ارتجاع و امپریالیسم در دستور روز گذارند. بنیان گذاران این حرکت انقلابی سیدجعفر بیستوری کمونیست انقلابی و فرزندان خلت آذربایجان بود. بیستوری از مبارزان دلیر آذربایجان بود که دوران کودکی خود را با روح و منت فراوان سپری کرده و در ۱۲ سالگی به قفقاز مهاجرت کرده بود. او در مسکو در آن انقلابی روسیه عملاً شرکت کرده بود. سپس به تهران آمده و برای مرکزی ایجاد کرده و راهی وجود آورد. در نهایت جنگ شرکت کرده و تا اواخر در سال ۱۳۰۹ بوسیله، ما موران رفائیه دستگیر و محکوم به زندان شد. پس از آن بیستوری تا سال ۱۳۲۰ سقوط رفائیه و استقلال ایران توسط متفقین عمر خود را در زندان سپای استبداد گذراند.

سیدجعفر بیستوری بیستوم در راه تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان بود. تشکیل فرقه بدون اطلاع حزب توده و تنها با اطلاع بدولت شوروی انجام گرفت. موسس فرقه بیستوری بود که حزب توده سکولاریست را رها نماند - رسمی گذار آن برای انجام انقلاب و حصول اجتناب از کاری ساختن نیست در حالیکه فرقه

- (۱) - "کندسجراج راه آینده است"، نقل قولهای صحاح آمده بنظر عمده ارهمنی منبع گرفته شده است.
- (۲) - خاطر آنکه انقلاب بورژوا دموکراسیک پیش ما علیرغم ۷۰ سال تلاش سیاسی مستمر بر سرده است، امروز هم همان حق کینیا و حنا - با بدسروزی می بینم. برای مثال تا سون اساسی "خسرگان" حقوق طبیب‌ها را منکر مسود و دولت جمهوری اسلامی هم بدست‌آئی جمران و امثال او این بنیاد الهیای کرد و بلوچ اسلحه بخش میکند تا لایه از "انقلاب" (؟) دفاع نمایند!
- (۳) - آذربایجان، شماره ۱، ۱۴/۶/۲۴ (نقل از "کندسجراج راه آینده")
- (۴) - همان ماحد، نقل از (آذربایجان، شماره ۲ مورخ ۲۴/۶/۱۷)
- (۵) - همان ماحد، نقل از (آذربایجان، شماره ۵ مورخ ۲۴/۶/۲۶)

دموکرات و طبقه، خود را انقلاب ملی و دمکراتیک فرار داده بود. همانطور که تا ره کردیم، جنبش دمکراتیک آذربایجان علیرغم غارتها و کشتارها و تبعید - هانه بیستوری تا خ. سیاهان عظیم آزادی فریاد می زدند "باید دولت آزاد دیخواه و پشتیبان دموکراسی در ایران سرکار آید، ملت ایران باید حاکم بر سرنوشت خود باشد." زحمتگشان می خواستند آزادی آذربایجان را با یگانگی برای آزادی سراسر ایران باشد. آنها چه در قیام دلیران، چه در صدمد مشروطیت برهبری ستارخان و چه در قیام دیگر خود برهبری، شیخ محمد خیابانی نشان داده بودند که آذربایجان قلب برپیش انقلاب دموکراتیک و ضدا امپریالیستی ایران است و فرقه دموکرات نیز در آغاز امر

فرقه ما به تمام معنی فرقه‌ای است ملی. بدین ترتیب بود که فرقه، دموکرات ایران جریانی شد که بجای آنکه متکی به دهقانان و زحمتگشان آذربایجان باشد در دست بورژوازی و خرده بورژوازی قرار گرفت و این طبقات مواضع مهمی را در تشکیلات فرقه اشال کرده و در موقع خود بیشترین ضربه را به جنبش دمکراتیک آذربایجان وارد آوردند. مواضع اینها به انحرافات اساسی آنرا نشان میداد. در پیوند مرا مناسه آمده بود "موسسین فرقه دموکرات آذربایجان بخوبی میدانند که نیروی مولد ثروت و قدرت اقتصادی با زوی توانای دهقانان است. لذا این فرقه نمی تواند جنبشی را که در میان دهقانان بوجود آمده نماند بگیرد. از این لحاظ فرقه سعی خواهد کرد که برای تا میسر

جنبش دمکراتیک آذربایجان و تشکیل حکومت ملی، خلقهای سراسر کشور را به هیجان در آورد. همه به حق منتظر بودند که حکومت ملی بسیج نظامی داده و برای سرنگون کردن حکومت تهران حرکت کند. شکی نبود که اوضاع انقلابی در سراسر کشور موجود بود و زمان برای تصفیه حساب با ارتجاع و امپریالیسم فرار رسید بود. ولی این انتظار پیهوده بود زیرا فرصت - طلبانی که بقدرت رسید میبندند، دیگر منافع خود را تا مین یاخته میدیدند. بورژوازی که در قدرت قرار گرفته بود، مانع از حرکت قاطع و انقلابی خلق مسلح برای ادامه مبارزه دموکراتیک شد بود.

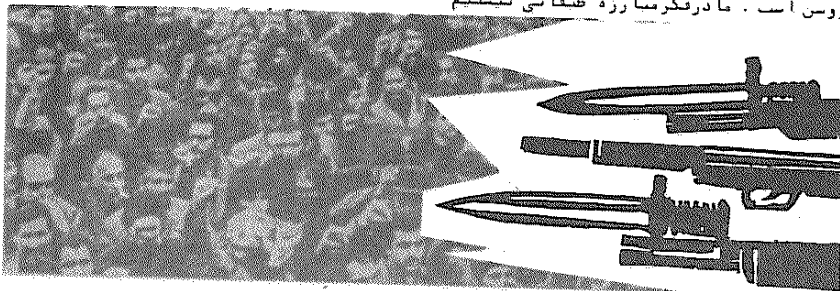
که سازندگان و عناصر وابسته به بورژوازی هوز در درون آن رخ نه کرده بودند! زربان بیستوری اعلام میکرد:

"ما بیهوده در صدمد تجربه نیستیم. ما می خواهیم که در صدمد سرحدا با ایران ... در کارهای داخلی خود مختار باشیم." در صفحات آینده به اختصار نشان خواهیم داد که فرقه دموکرات بخاطر ضعفهای درونی خود و انحرافات فانی که در آن وجود داشت نه تنها نتوانست به اهداف توده‌های زحمتگش گسه اکثریت آبان را دهقانان تشکیل می دادند حاض، عمل بیوسا تبدیلکه در چهار چوب هدفهای محدود ملی هم سا کام گردید - امری که ناگزیر بود و هست.

نگاهی به نظرات فرقه دموکرات اولین سالنامه فرقه دموکرات در ۱۲ شهریور ماه ۱۳۲۴ که حاوی بطرات اساسی موسسین آن بود است را بنسب. پس از جندی کمیته اساسی حزب توده در آذربایجان که ۶ هزار عضو داشت بدون اجازه کمیته مرکزی حزب، جدا گانه خود را "حزب توده اعلام دانسته و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوست.

سیاسیه فرقه و عملگردهای بعدی آن نشان از انحرافات قابل ملاحظه‌ای بود که رهبران آن داشتند. بنظر موسسین فرقه، مبارزه ملی مساویانه جدا از مبارزه طبقاتی نماند: "فرقه ما فرقه‌ای است ملی و لذا بدون در نظر گرفتن طبقات، عموم حاکم را بر سر بزم خود فرا می خواند." (۳) و با "راه ما کاملاً درست و روشن است. ما در فکر مبارزه طبقاتی نیستیم

احتیاجات دهقانان قدامیای اساسی بر دارد. مخصوصاً تعیین حدود مشخص زمین اربابان و دهقانان و جلوگیری از مالکیتهای غیر قانونی که بوسیله، بعضی ازاربایان اختراع شده یکی از وظایف فوری فرقه دموکرات است. فرقه سعی خواهد کرد این مسئله به شکلی حل شود که هم دهقانان راضی شوند و هم مالکین به آینده خود اطمینان پیدا کرده و با علاقه و رغبت در آباد ساختن ده و کشور خود بکوشند. زمینهای خالصه و زمینهای متعلق به اربابانی که آذربایجان را ترک کرده و فرار اختیار نموده اند و محصول دستر بچ خلق آذربایجان را در تهران و سایر شهرها به مصرف می رسانند چنانچه بزودی مراجعت نمایند، بنظر فرقه دموکرات باید بدون قید و شرط در اختیار دهقانان قرار گیرد" و "اختلاف موجود بین دهقانان و اربابان از طریق صلح و سازش حل میشود" (۴) و "کارگران و کارفرمایان دست بدست هم دهند و همه طبقات از هرگونه مبارزه طبقاتی انصراف حاصل کنند زیرا مبارزه طبقاتی پیش از گرفتن آزادی میسر نخواهد بود. اول ملت باید حق و اختیار را نوسی خود را بدست آورد، بعد در اطراف کم و کسر آن مبارزه کند" (۵). بهرحال فرقه دموکرات تا در سنین گذاتسین برامه‌ای که منافع بورژوازی ملی - لیبرال ایران را تا مین میکرد عملاً دچار انحرافات بزرگی نشد و خود همین انحرافات نسبی جدا کردن مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی بود که فرقه را به سازشکاری گنا بند و آخر سر با بیورش ارتجاع حاصل قیام توده‌ها پایمال کردید. ادامه دارد ...



بقیه از صفحه ۴

قطع دست کارگر، در جامعه سرمایه داری ...

پیروزی کارکنان شرکتهای حفاری و خدمات جنبی

کارکنان مبارز شرکتهای حفاری و خدمات جنبی که با خواستههای ایجا شرکت ملی حفاری ایران و استخدام کلیه ۴۵۰ پرسنل شرکتهای حفاری و خدمات جنبی در شرکت ملی حفاری و جلوگیری از خروج دکلها و لوازم یدکی حفاری از ایران، از روزیکشنبه ۲۷ آبان در محصل اداره مرکزی شرکت نفت دست به تجمعی زدند، همچنان به مبارزه پیروزمند خود ادامه داده و در محل اداره مرکزی تجمعی داشتند.

روز پنجشنبه اول آذر کارکنان متخصص پنجمین و ششمین بیانشیه خود را مامور کردند. در پنجمین بیانشیه از عدم اشکال خواستههای حق طلبانه خود که در مسیر واقعی مبارزات ضد امپریالیستی تودههاست، از وسایل ارتباط جمعی انتقاد کرده و خواهان پشتیبانی نیروهای انقلابی شده بودند.

در ششمین بیانشیه کارکنان حفاری ضمن اشاره به اخراج کارکنان زحمتکش شرکتها - لیبرتون این اقدام را یک عمل امپریالیستی به منظور پراکنده کردن تخصصهای فنی صنعت حفاری برای زمینه سازی با زکمت مجدد کارشناسان و جاسوسان خارجی قلمداد کرده و آن را اقدامی از طرف دشمنان مردم دانسته بودند. در این بیانشیه ضمن تاکید بر خنثی کردن کلیه توطئههای عوامل امپریالیسم جهانخواه توسط نیروها و اقشار انقلابی بار دیگر خواهان پشتیبانی نیروهای انقلابی شده بودند. لازم به تذکر است که در بیانشیه تجمعی و مبارزات کارکنان حفاری، از طرف شرکتها لیبرتون کلیه کارکنان اخراج شده و حکم اخراج آنها در روزهای آخرا بان صادر شده بود.

روزیکشنبه چهارم آذر هیئتی از طرف وزارت نفت برای مذاکره با هواز وارد شد. دوشن از اعضای هیئت اعزامی از تهران، بنام مهدوی و نظرنیا از چهره های شناخته شده و منقور صنعت نفت هستند. مهدوی کسی است که در موقع خروج دکلهای حفاری شرکت آمریکائی "سانتافه" فضای اویای اوراق خروج تسمار گرفته است. همچنین نظرنیا در طی مدتی که از طرف شرکت نفت سرپرستی شرکت حفاری سد کو- سادیران را برعهده داشت بخوبی ماهیت ضدکارگری خود را نشان داده بود.

روز سه شنبه ششم آذر ساعت ۱۲ هیئتی اعزامی به منظور مذاکره با نمایندگان شورای کارکنان به محل اداره مرکزی شرکت نفت (محل تجمعی) آمدند و تا ساعت ۵ بعد از ظهر با نمایندگان به مذاکره پرداختند.

بعد از مذاکرات، نمایندگان کارکنان و هیئت اعزامی در جمع کارکنان متحصن حاضر شده و آنگاه نمایندگان اعلام کردند که پس از ساعتها بحث به توافقهایی با هیئت اعزامی رسیده اند و سپس متوجه توافقی به قرابت شد.

بیکارند، کارگری با دستهای ناقص چه تضمینی میتواند داشته باشد؟

این واقعیت کشف جامعه سرمایه داری است، و این فجایع تاریخی که کارگران هم - چون ابزارهای در خدمت سرمایه داران و حکومت - های حامی سرمایه قرار میگیرند، همواره تکرار خواهد شد. تنها زمانی (حادثه)، جامعه نخواهد بود (بدلیل وجود امکانات کافی، وسایل ایمنی و تامین بودن زندگی خانواده کارگر حادثه دیده) که کارگران خود قدرت را در دست بگیرند و حکومت زحمتکش را بر سر پا کنند. آنگاه زندگی تمامی کارگران و زحمتکشان جامعه، تضمین خواهد شد. و اکنون، کارگران با دولتی ضد انقلابی و روبرو هستند که مبارزات آنان را بر سر علیه ظلم و ستم سرمایه داران، عملی "ضد انقلابی" میخواند و حتی برای اعتصاب ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین میکنند. در مقابل چنین حق - کشیهایی کارگران باید خود دست بکار شوند - و در دره حقوقشان را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشند. حق بیمه بیکاری، یکی از این حقوق ابتدائی کارگران است که زحمتکشان جامعه ما از آن محروم اند. کارگران با گرفتن هر یک از حقوق خویش سرمایه داران را وادار به عقب نشینی میکنند. علاوه بر آن از مبارزه خود تجربه می آموزند و در پرتو تجارب خود و آگاهی متشکل ترمی شوند. و برای نابودی نهائی استثمار ربه پیش می روند.

مهمترین سلاح کارگران در این مبارزه حیاتی، وحدت و تشکیلات است.

کارگران بیکار بدون توجه به تهدید پاسداران راهپیمایی کردند

کامیاران

با وجودیکه سپاه پاسداران مستقر در کامیاران ضمن صدور اعلامیه ای مردم را تهدید کرده بودند که هرگونه اعتصاب، تجمعی و راه - پیمائی را با شدیدترین وجهی سرکوب خواهند کرد، ولی کارگران بیکار این شهرستان در تاریخ ۵۸/۸/۲۶ بدون توجه به تهدید پاسداران سرمایه، دست به نظرات بردند. حمایت مردم مبارز کامیاران از این نظرات بعدی بود که پاسداران جرات نکردند به آن حمله کنند. در پایان نظرات قطعنامه کارگران بیکار خوانده شد که در زیر خلاصه چند بند آن را ملاحظه می کنید:

- ۱ - ایجاد کار برای کلیه بیکاران
- ۲ - پرداخت حق بیمه بیکاری
- ۳ - ایجاد کارخانه در شهرهای کوچک
- ۴ - پشتیبانی از مذاق قطعنامه ۸ ماده ای مهاجرات و دستنجد

۵ - پشتیبانی از خواستههای مردم مسکین و ...)

۶ - تقسیم زمینهای مزروعی فئودالیهای مرتجع منطقه بین دهقانان زحمتکش، بخصوص زمینهای روستای الگ و ماراب که توسط دولت ضبط شده است. (۸)

۷ - محکوم نمودن سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان مخصوصاً سرکوب مبارزات ماهی - گیران انزلی و خلخهای عرب، ترکمن و کرد.

نظرات هرکسندگان اعلام کردید که اگر پس از یک هفته به خواستههای آنها رسیدگی نشود در بخشداری کامیاران تجمعی خواهند کرد.

(۸) - لازم به تذکر است که زمینهای روستاهای الگ و ماراب در زمان رژیم مسفوری پهلوی توسط خود دهقانان زحمتکش صادر شده بود اما ارتجاع در یورش جنایتکارانه اش به کردستان و زمینهای این دو آبادی را از کف و رزاق پس گرفت.

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

رورسیدند آذر قبل از مذاکره هیئت اعزامی با نمایندگان شورای کارکنان حفاری و خدمات جسی اعلامیه‌ای از طرف هیئت تحت عنوان "هیئت تشکیل و تجهیز شرکت ملی حفاری ایران" صادر شده و ضمن آن از مقدمات تشکیل شرکت ملی حفاری صحبت شده و سپس تشکیل هیئت ما مورسیدگی به موازات خدمت و انجام امور اسخدام را باید منظور جذب کارکنان بیما نکاران حفاری و شرکتیهای سرویس دهنده حفاری در صنعت نفت که تا قبل از بیروزی انقلاب در آن شرکتیها اشتغال بکار داشته‌اند، اعلام داشته بود و از کارکنان شرکتیهای حفاری و سرویس دهنده دعوت شده بود که از نارایسج چپا رشنه ۷ آذر ماه برای ثبت نام مراجعه کنند. و شروع رسمی اشتغال بکار از اول دی - ماه ۵۸ اعلام شده بود.

بموجب این توافقنا مکدهتفاوتی با متن اطلاعیه شماره ۱ هیئت اعزامی که قبلا از مذاکره‌ها درنده بودند اشت کلیه کارکنسان شرکتیهای حفاری و سرویس دهنده از صبح چهار - شنبه ۷ آذر به اسخدام رسمی وزارت نفت در - می آیند و از اول دیماه ۵۸ در لیست دریافت کنندگان حقوق قرار می گیرند. به موجب این توافقنا مکلیه کارکنان ابتدایه اسخدام وزارت نفت در می آیند. و بعداً تعداد مورد نیاز شرکت ملی حفاری از بین آنها انتخاب شده و بقیه در بخشهای مختلف وزارت نفت به کارگما رده میسوند در این توافقنا مکشکل شرکت ملی حفاری ایران به صراحت اعلام نشده و جزویکی از مواد جداگانه قطعنا مه نیست. همچنین بیکی از خواسته‌های مهم کارکنسان مبارز حفاری یعنی "طلوگیری از خروج کلیه دستگاهای حفاری و لوازم یدکی و وسایل شرکتیها" هیچ گونه اشاره‌ای نشده است. آنچه کدا ز متن توافقنا مه بنظر میسرسد تنها با یکی از خواسته‌های کارکنان مبارز حفاری یعنی "اسخدام رسمی کارکنان در شرکت نفت" آنهم بصورت یک توافقنا مه در حرف و بسودون پیشوانه، موافقت شده است و عملا نسبت به دو خواسته‌های دیگر یعنی ایجاد "شرکت ملی حفاری" و "طلوگیری از خروج دکلیها" توجهی نشده است.

بعد از قرائت توافقنا مه، کارگگران عکس العملیهای متفاوتی بروز دادند. عده‌ای از کارکنان از اینک قول اسخدام داده نده است راضی بنظر می رسیدند. اما عده‌ای از کارکنان آگاه معتقد بودند که چون این توافقنا مه هیچگونه ضمانت اجرائی ندارد و از آنجا - شیکه در توافقنا مه هیچگونه اشاره‌ای به مصادره اموال شرکتیها نشده است، و ممکن است اموال شرکتیهای آمریکائی برای آنها پس فرستاده شود، و از آنجا شیکه اساساً مشخص نیست کسبه شرکت، کلیه ۴۵۰۰ نفر پرسنل شرکتیهای حفاری و خدمات جسی را اسخدام کند، یا با ن دادن به بخش کار درستی است. اما شورای کارکنان تصمیم گرفت کسبه

صبح روز چهارشنبه ۷ آذر به محض خامه‌دهد. صبح روز چهارشنبه ۷ آذر کارکنان در محل محض اجتماع کردند و قطعنا مه‌ای قرائت شد که در آن اشاره شده بود شرکت محض به سزله با با ن مبارزه نیست بلکه صرفاً با حامیون یعنی می باشد تا مشخص شود که هیئت اعزامی با چه حد قصد انجام کار دارد و کارکنان آما دگسی دارند که با هر نوع کار رنگی در آینده مقابله کنند.

علیرغم عدم موضعگیری صریح هیئت اعزامی در باره اسس شرکت ملی حفاری و عدم پاسخ به خواسته‌هایم کارکنان مننی بولسو - گیری از خروج دکلیهای حفاری و تنها موافقت هیئت اعزامی با یکی از خواسته‌های کارکنان یعنی اسخدام رسمی کارکنان در صنعت نفت، با این وجود کارکنان مبارز شرکتیهای حفاری و سرویس دهنده، توانستند در پناه اتحادیناد و همبستگی خود و بنادوم مبارزه خودسان بیسک بیروزی بسی دست یابند. اما در عین حال باید گویز شود که هنوز نسبت به اسس ترین خواسته‌های کارکنان پاسخ صریحی داده نشده

و با زدن اسس عقب نشینی مقامات حاکم یعنی اسخدام کارکنان هم‌شور دارای تصمیمی و بنسوانه عملی نیست و همچنانکه کارکنان آگاه خود به این مسئله واقف هستند، هیچ - کسبه تصمیمی وجود ندارد که مقامات حاکم به این قول و قرار خود بطور کامل حاد عمیل میسوند. این امر مسئله دور اردهی نیست و مقامات حاکمنا کسبون بارها و بارها اسس - ترین وعده و وعده‌های خود را زیر بار نیا ده‌وسه قول و قرار خود بیست با زده‌اند. و این بار نیز همچنانکه قبلا بریده به وعده خود در باره تشکیل شرکت ملی حفاری بست با زده، مقامات حاکم ممکن است به این حد اقل توافقی خود نرسند - با برسند. وظیفه کارکنان آگاه و مبارزین - های حفاری است که با ارتقاء آگاهی و تشکیل کارکنان مبارز، آنان را برای مقابله با هر نوع نوظنه و ترسناکری مقامات مسئول آماده نگهدارند.

بیروزی در مبارزات کارکنان شرکتیهای حفاری و خدمات جسی

مبارزه برای رسمی شدن ادامه خواهد یافت

یک گام از ده گام ! - آبادان -

اعتصاب با بحث‌هایی که در بین خود اسسد و با جمع بندی ار عملگرد دولت سرما به داران و با توجه به برپا کشیدن، توافقی با مدخر داساد توسط حامیان فلالی منضمین؟! هر چند بنسبر به ما هیئت اسسنا رگزان و مدخلقی رژیم حاکم می بردند. و از همین رویه دستور العمل عملی معین فرم با دیده تردید می بگرد.

درین دیگری که کارکنان در این مدت و در طول اعتصاب حق طلبانه خود گرفتند، اسس بود که به شیائی بنخوا هندیوانست به حسی ابتدائی و اولیه خود (رسمی شدن) دست یابند و به همین دلیل کوشش کردند تا دیگر کارکنان بیمانی صنعت نفت آبادان را به اعتصاب فراخوانند. اما متناقضانه علیرغم اینکه سخن دیگری از کارکنان رخصتک بیما بسی (شرکت مینکو) با خواسته‌های حدوداً مناسبه دست به اعتصاب زده بودند، هیچگونه همکاری و وحدت عمل منخمی در بین این دو بخش از اعتما بیون حاصل نشد. مستحکم با دانخدا کارکنان بیمانی

سر انجام کارکنان اداره اسخمانسی و عملیات غیر صنعتی شرکت نفت که از روز ۲۲ با ن بخاطر عدم رسیدگی مسئولان امور به خواسته‌های بحق خود و عدم برداشت حقوق منطقی بیسند - هادست به یک اعتصاب همگانی زده بودند، در تاریخ سوم آذر ماه پس از بازگشت نمایندگان - سان از شهران که موفق شده بودند معین فر را به اجرای بخش با چیزی از خواسته‌هایشان وادار کنند، سرکار را زگشند.

اگرچه نتیجه ملموس این اعتصاب ۳۱ روزه، تحقق بخش با چیز و محدودی از خواسته‌های حق طلبانه کارکنان است. ("از اول فروردین ماه ۵۹ هما بنده‌ها آنچه کارکنان شرکت نفت چیره جسی دریافت می دارند... و حق خرید از شرکتیهای شعوانی... و هزینه مسکن نیز از اول آذر ماه ۵۸ معادل هزینه مسکن کارکنان شرکتی...". بنقل از دستور العمل معین فر) اما این اعتصاب تجرسات منبجی برای کارکنان دانست. کارکنان مبارز در طول

بقیه از صفحه ۷
میینمان صورت گرفته و خواهد گرفت و بر کلیه سازمانها و گروهیهای انقلابی و مبارزان است که در ادامه بافتن و بالا رفتن سطح اسن دوره نویسان و امیدوار رکننده مبارزات، دهقانان منجی ما را یاری دهند.

★ ★ ★

بقلت کمبودجا، شرح مبارزات دهقانان مبارز "شهرم کلا"، "علی آباد"، "اسارده" و "چنگار" و همچنین مبارزه دهقانان بی زمین روسای "کمانگر کلا" دست ساز در شماره بعد خواهیم آورد.

دبیرستان فردوسی (شهران)

روز چهارشنبه ۵۸/۹/۷ بدسبال ساره کردن اعلامیه‌ها و پوستره‌های موجود در مدرسه توسط سه تن از دانش آموزان تخریک شده دانش آموزان دبیرستان ضمن برپائی اجتماع بنسدت به این عمل غیر انسانی اعتراض کردند. دانش آموزان ضمن افشای ماهیت کمسانی که بدین گونه اعمال دست می رسند، خواستار محاکمه ۳ دانش آموزی منطق، دبیر اسر کلیه دانش آموزان شدند. مسئولان دبیرستان قول دادند که اسس کار بعد از برپا رزی فرسندوم اجرا خواهد شد.

نان ، مسکن ، آزادی

اعلامیه: عده‌ای از زندانیان سیاسی :

خلق قهرمان ایران!

چندی پیش مطالبی در مورد کار دادگاه‌ها و بحاکم شرع و نیز مسائل درونی زندانیان در جرایم و مسائل خبری کشور درج شد، از آنجا - شبکه کراسات مندرج در وروریا مدعا و رادیو تلویزیون سانورزده رژیم حاکم در مسوورد زندان و دادگاه‌های دولت جمهوری اسلامی - کاملاً تحریف آمیز می‌باشد و هیچوجه نشان - دهند؛ و اذیت‌های حاکم بر زندان و دادگاه‌ها نیست بخصوص که خبر کارگران و کراسگران - عمدتاً به نفع گزارش از وضع محرمین رژیم - گذشته برداشته اند که به لطف دادگاه‌های انقلاب هر روز و سلسله‌ها هستند و بخودگی جدیدتری شامل حال جانان می‌شود. لذا ما برای آگاهی خلق قهرمان ایران بدانها گوشه‌ها نشی از اعمال رژیم که در مورد زندانیان سیاسی و منازین انقلابی صورت می‌گیرد، می‌برداریم تا از این رهنمودها و انقلابی خلقمان را از این رهنمودها می‌که اعمال رژیم حاکم بدان دست می‌یازند تا اطلاع سازیم و از مسئولیت خطیری که در دماغ از این فرزندان آزاده، خلقی بعهده - مان محول می‌آید همدار دهم .

اعلامیه سستی به دستگیری نفی شهرام به همراه اعضا، و رهبران سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۰ اشاره کرده و در سبب مبارزات او را در زندان بر علیه مردوران رژیم شاهان که باعث شد و را به ۱۰ سال زندان محکوم کند و سپس وی را به زندان ساری ببردند و در دستار دو افسران انقلابی وی از زندان به همراه دورتی دیگر و مریدانی که اس فرا و همگی سربا مدرسی اعداد سرسب زیدی بور از رئیس کمیته مسترک ساواک و ۱۰۰۰ و سرهنگهای آمریکائی که وی پس از آزادی از زندان بدان همت گماشت، سخن می‌گوید و با اشاره به وضع کمپونی وی از شکنجه‌ها بخصوص شکنجه، روانی که در طی وی اعمال می‌شود، برده می‌دارد و سپس می‌گوید:

در این مدت حتی یکبار اجازه ملاقات با خانواده‌های من و داداده‌ها نداشتم، طبع اخبار و اطلاع محل اسارت وی منتهی در سایه جالی‌های من و که زندان او من بوده است که بدلیل شرایط مرگبار و غیربهداشتی آنجا و بدلیل اعتراضات مکرر و هتاهای مختلف بین المللی و از جمله بنایندگان ملیت سرج در سالهای او از حکومت شاهان سکا رتیر هیچ گونه استعاده‌ای از آنها نمی‌نماید. این شاه جالی، سلولهای نفس‌کوبه‌ای هستند که بطور خاص برای سلب شرایط ابتدائی حیات و واردات خنق فشار هر چه بیشتر منظور تضعیف روحیه زندانیان ساخته شده‌اند. کف این سلولها معمور و خاکی است و فاقد هرگونه تهویه تهویه است. لازم است - حد اقل نور بدرون این سلولها منی تا بدو از این رهنمودها تا زندانی ندیده در معرض تهدید است ... البته وسعت تصفیفات و رفتارهای زندانی در مورد این انقلابی منهن به همین جا بیان نیافته، بلکه دستورالعملها را طلبان مرتجع و انقلابی ما در همین و چند کده‌های تنگ و تاریک و مرموز برای مدتی او را بزنجیر می‌کنند و در تمام ساعات شبانه روزی هایش را در زنجیر نگه می‌دارند.

عوامل امپریالیسم از زندان آزاد می‌شوند!

این عامل سرسبده: امپریالیسم آمریکا یکی از سرمایه‌داران بزرگ هوا و زمینی از سرکای اصلی بیما کاران بزرگ صنعت نفت است که از طریق باسنداری و ارتقاء و با بستن فراردهای تحمیلی، میلیونها تومان پول خلقی را زحمتکش ایران را از طریق شرکت نفت بالا کشیده است. این فرد با این همه سابقه جنایتکارانه و ضد خلقی در دادگاه انقلاب اسلامی تنها بدو سال حبس تادیبی محکوم گردید تا اینکه اخیراً مشمول عفو نام واقع گردید و از زندان آزاد شد. این بعد از آزادی برای زیارت ولایت نبویه؟! به منهد رفت است.

سیروس نقشینده این عامل سرسبده و کتیف امپریالیسم آمریکا زمانی آزاد می‌شود که دست هیئت حاکمه ضد خلقی بخون جوانان انقلابی خلقی را کرد و عرب و ... آغشته شده و گردستان این پایگاه مستحکم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مورد هجوم با ساداران ضد انقلاب و ارتش ضد خلقی قرار گرفته است. سیروس نقشینده زمانی از زندان آزاد می‌شود که هیئت حاکمه فریبکار بوق و کراسای ضد امپریالیستی سر داده خود را بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی خلق قلمداد می‌کنند. با بسد برسید: " کدام را با و رکنیم، دم خسرو را یا ..."

میرتسی خورد و او را پیاپی می‌کنند. در آنجا دو نفر مردور که در پیاپی ده روز منتظر ایستاده بودند از پشت به رفیق حمله می‌کنند! او را بشدت زخمی می‌نمایند. با رسیدن چند رهنمود، مزدوران رفیق را رها کرده و فرار می‌کنند. با دمان هست که رژیم آریا نیری هم‌سازها این شیوه‌ها را برای سرکوب نیروهای مترقی و انقلابیون بکار می‌برند (جنایت کار و سراسر سبکی با ریودن منازین) اما آیا رژیم خائن شاه با آنچه خوبخواری و با وجود دستگا و عربی و طویل ساواک و دیگر نیروهای سرکوبگری، توانست در برابر برختم مردم قهرمان ایران تاب بیاورد؟ این مردم، همان مردمان و امروز با آگاهی و شناختی بیشتر از نیروهای خود، بی شک به کسانیکه می‌گویند با فریب بار دیگر بند بردست و با این بگذارند، جوابی درخور خواهد داد!

حمايت از این مبارز سیر بر خیرند و ما هیئت عملکردهای فاشیستی را که نسبت به وی اعمال می‌شود، اما سازند و در ادامه می‌خوانیم: ما معتقدیم در این مراحل حاسن جا صد - مان دامن زدن بیک سری مسائل درون خلقی که ناشی از ضعف‌ها و اشتباهات گذشته نیروهای انقلابی و عناصر آن‌ها که در صاف انقلاب یونسوع پیوسته است بجز تفرقه و دامن زدن به صفاهای درون خلقی و مخدوش کردن صف نیروهای خلق و مدخلی جبر دیگری را بدینال نداد رده که این کار هم شیوه‌ای است در دست ضد انقلاب و فرصت - طلبان و لاغیر .

"عده‌ای از زندانیان سیاسی"

۵۸/۹/۹

کمیته: خورسان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر سرسبده‌ای تحت عنوان کمیته محلی پیکار در سطح خورسان منتشر می‌کند. در زیر قلمتی از مقاله: کونا هی را که تحت عنوان "عوامل امپریالیسم از زندان آزاد می‌شوند" در کمیته: محلی پیکار شماره ۳۱ درج شده است می‌خوانید:

عوامل امپریالیسم از زندان آزاد می‌شوند دادگاه انقلاب اسلامی هوا و " سیروس نقشینده " مدیر کل سابق امور اداری شرکت سپاه می خاص خدمات نفت ایران (کنسرسیوم سابق)، یکی از سرسبده‌گان امپریالیسم آمریکا عضو سازمان فراماسونری، رئیس باشگاه لاینز هوا و، معاون استاندار و عضو کمیسیون امنیت استان خورستان را از زندان آزاد کرد.

سیروس نقشینده که حاس ترین شغل اداری صنعت نفت را در جنوب در اختیار داشت، تعیین کننده خط منی بر سبلی ضد کارگری صنعت نفت و مسئول اجرای پروژه‌های خباثت سبکار امپریالیستی در صنعت نفت بود. او به هنگام اعتصاب قهرمانان سب کارگران و کارمندان صنعت نفت جنوب به حکومت نظامی پیشها د کرده بود که چندین از اعتصابیون را اعدام کنند تا بقیه، کارکنان صنعت نفت بسر کار باز گردند .

بخیه از صفحه ۱۶

ارتجاع شیوه‌های ...

بگذارید فراموش نکنیم، آسوقت مبدأ سبیم چکار کنیم. (این خط و نشان کشیدن برای دیگر رفقای دانشجو که آتش در نقاط مختلف شهر دستگیر شدند، نیز تکرار شده است!) سراجا می‌تواند گرفتن از رفیق او را آزاد می‌کنند. در بیرون در کمیته رفیق دانشجو سوار ما نشی می - نود که ظاهراً به انتظار ما فریاد داده بوده، این ما نشی رفیق را به نقطه خاصی که از قبل تعیین شده بود، می‌برد و به پیاپی ناهاینگه بیشتر از این

(۳) - پس از هفتاد هزار رسیدن ۱۰۰ هزار زخمی، همچنان باید برای حفظ مسائل امنیتی از ذکر نام کمیته و جزئیات بیشتر صرف نظر کرد!! شکنان باد!

طبق گفتار شهید عینی هیچگونه روزنامه و کتابی در اختیار او قرار نمی‌داده‌اند. ما مورس زندان و مرا تفس او با بندسور مسئولین امر در مواقع رفت و آمدهای جسم لظه‌ای او به دستنویس و نوات که با سرعت و نظارت کامل انجام می‌گردد حتی اگر او را روزنامه: کمیته‌ای در معرض می‌شود، نوری آراد دوری ما خدا بدو اوهج کوبه محبسی نمی‌کنند

سب در اعلامیه‌ها زهمه شده‌ای انقلابی خلقی و همه نیروهای انقلابی و مسازر سبزه‌ار انقلابیون ما رکنیست - لسنیست و همچنین سازمان مجاهدین خلق ایران، کانسیون زندانیان سیاسی، جامعه حقوقدانان و دیگر نیروهای دیگر که جامعه استمداد می‌شود که به

ارتجاع شیوه‌های سرکوب "ساواک" را بازسازی میکنند

اگر قانون اساسی مذکور، مترقی و انقلابی است و مردم زسر آگاهی و با چشم‌پازیه آن رای دادند، پس چرا علیه گروه‌ها و سازمان‌ها شبکه‌سبیت به محتوای ارتجاعی آن افشاگری می‌کردند، آنهمه سبایشی شد؟ و سبیه‌گروه و سازمان انقلابی و حتی لیبرال‌امکان‌داده‌نشده تا با مردم سخن گویند! از آنجا که ارتجاع خودش خوب می‌دانست چه معجزاتی را دارا در بخورد مردم می‌دهد، کلیه امکا - ناتش را بسج کرد تا صدای انقلابیون بگوش کسی نرسد). در کمیته‌یک آخوند و چندلیمین و با سادار دور رفیق را گرفته و از او سئوالهای زیادی می‌کنند. صحبت آنها نزدیک به ۲ ساعت طول می‌کشد، در ضمن صحبت به رفیق گفته می‌شود، بقیه در صفحه ۱۵

در شب رفرا ندیم قانون اساسی دستبخت "خبرگان"، ارتجاع از یکطرف تمام امکانات تبلیغاتی خود را بسج کرده بود تا با حیل و فریب مردم و با استفاده از آکا‌های و شوهر آنها آراء بیشتری جمع آوری کند و از طرف دیگر گشتی‌های خود را در اتومبیل‌های با چراغهای خاموش و در دسته‌های چهار نفره در سطح شهر روانه کرده تا به دستگیری انقلابیونی بپردازند که برای آکا‌ه کردن مردم از محتوای واقعی قانون اساسی اقدام به بخش‌اعلامیه می‌کردند. یکی از این اتومبیل‌های گشتی، دانشجویی را که در حال بخش‌اعلامیه "تحریم رفرا ندیم" بوده دستگیر نموده و به کمیته (۸) ... می‌برند. (بی شک این سئوال بر ذهن بسیاری سنگینی میکند، که

گرامی باد دوازدهمین سالگرد تأسیس جبهه خلق برای آزادی فلسطین پیام تبریک سازمان به رفیق زُرز حبشی دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین

رفیق زُرز حبشی دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین!

رفقا، اعضای دفتر سیاسی جبهه!

۱۲ دسامبر دوازدهمین سالگرد تأسیس جبهه خلق برای آزادی فلسطین را به شما و به همه اعضا و یبیکاران جبهه و کلیه نیروهای انقلابی فلسطینی و عرب تبریک می‌گوئیم. خلق‌های قهرمان ایران و فلسطین سالیان دراز است که همدوش یکدیگر در سنگرمبارزه ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی و ضد ارتجاعی می‌جنگند و پیونده مبارزه جویانه بین خلق - های ما و شما طی این نبرد سرنوشت‌ساز هر دم استوارتر شده است.

خلقهای ما سرانجام رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم شاه را سرنگون کردند و با این پیروزی خودگام مهمی در راه طولانی و دشوار پیروزی خلقهای منطقه علیه امپریالیسم - داشتند و امروز همچنان برای خنثی کردن توطئه‌هایی که جهت سقط انقلاب و متوقف کردن آن از سوی امپریالیسم و ارتجاع داخلی بکار می‌روند مبارزه همه جانبه خود ادامه می‌دهند.

رفقا، همیمانان راستین خلق فلسطین که همانا نیروهای مترقی و زحمتکشان ایران هستند، ضمن تأیید نقش فعال و موثر نیروهای جبهه انقلابی فلسطینی، ضمن تأیید مواضع سیاسی و انقلابی پیگیر شما در ادامه تفسیر رهائی بخش خلق تا آزادی سراسر فلسطین، ضمن قدردانی از حمایتی که نسبت به انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران ابراز داشته‌اید، اعلام می‌کنند که برای هرگونه حمایت عملی از انقلاب فلسطین و دیگر خلقهای عرب و جهان آماده‌اند.

فرصت را مفتنم نموده برای جبهه خلق برای آزادی فلسطین و دیگر سازمانهای انقلابی فلسطینی پیروزی نهائی، آزادی فلسطین و نابودی امپریالیسم و ارتجاع در سراسر منطقه را آرزو می‌کنیم.

با تقدیم درودهای انقلابی

" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

۱۰ دسامبر ۷۹

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش‌برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که می‌توانید به دست ما برسانید.

یکسال از اعتماد نفتگران دلیر جنوب میگذرد:

کارگر: ستون فقرات انقلاب

در ادامه اعتصابات سیاسی و فراگیری که در سال گذشته توسط کارگران و دیگر زحمتکشان بوقوع پیوست و رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن را با همه قدرتش و با همه حمایتی که از سوی امپریالیسم آمریکا میشد، بزانو درآورد، مرحله دوم اعتصابات نفتگران در آذربایجان و ویزگی خاص دارد. طبقه کارگر و پیمانکاران نفتگران جنوب کفنه توازن نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را بسج انقلاب سنگین تر کرد.



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

دعوی ولایت فقیه ، خیانت لیبرالها و هشدار به خلق آذربایجان

بیکار

دوشنبه ۵۸/۹/۱۹

مخالفت شریعتمداری نیست خودوی تصریح می نماید که این اصل اسلامی و شرعی است لیکن بنظر ایشان استنباط درستی از "ولایت فقیه" ارائه نشده و "استنباط درست" از این اصل حتما بنحوی است که آقای شریعتمداری - یعنی کسی که بدولت "آشتی ملی" شریف - اما می سه ماه فرصت داده بود - نیز در رهبری شریک گردد. طرف دیگر دعوا نیز بیکار رننشسته است. عملیات جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه علیه لیبرالها از سر گرفته شده و دست آقای مراغه ای این عنصر سابق مجلس خیرگان در ارتباطی با ثنا نه با لانه جا سوسی آمریکا رومی شود. اما اینگونه "افشاگریها"، آنهم درست در شرایطی که موج مخالفت های ارتجاعی - لیبرالی شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان برخاسته و آذربایجان دستخوش ناآرامی است چه چاره روشن میکند؟ آیا جز اینکه ماهیت ضد خلقی و ضد انقلابی هیئت حاکمه را که طی ۹ ماه گذشته از طریق سانس با امپریالیسم و با زسازی سیستم وابسته میداد عمل این جنایتکاران بوده است، نشان میدهد؟

مسئله بر سر نفی وانکار وجود تفا در مواضع جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه و دارودسته شریعتمداری نیست. این دومی با گشودن چتر حمایتش بر سر عناصر وابسته ای چون فریدوراست ترین جناح های بورژوازی لیبرال، دارای عملکردی متضاد خلقی و ارتجاعی - ترازاولی است. بهمین دلیل میتواند مورد توجه و حمایت بیشتر امپریالیسم آمریکا (نسبت به برخی از جناح های فعلی حاکم) قرار گیرد. حزب جمهوری خلق مسلمان هم اکنون به بلندگوی تبلیغاتی این عناصر و نیروها بدل شده و بی دلیل نیست که جریان اخیر تبریز و مواضع این حزب مورد حمایت عناصر و احزاب شناخته شده ای چون حزب جمهوری خواه، پان - ایرانیست های مزدور، اتحاد برای آزادی (به سر - دمرداری بنی احمد) و... قرار میگیرد، اما نکته اصلی اینجا است که هر دو جناح علیرغم تمام دعواها شان در مقابل خلق و در مقابل انقلابند. در حقیقت این تصاد عمیق توده های وسیع خلق و سیستم ضد خلقی حاکم است که در آن بالا جناح های درونی هیئت حاکمه و رهبران قدرتمند را بجان هم انداخته است و در این میان خلق - های ستم دیده، مادر همه کشور، آذربایجان، کردستان، بلوچستان و بقیه نقاط می بايست با آگاهی کامل نسبت به ماهیت و مقاصد هر دو سوی دعوا، هر دو را طرد کرده، هویت مبارزاتی مستقل و سازش ناپذیری انقلابی خود را در هر حرکت حفظ نمایند.

شکی نیست که حرکت مردم تبریز، اعتراضات به قانون اساسی و ارتجاع حاکم در اصل دارای مضمون مترقیانه است. لیکن وقتی زیر چتر حمایت از مترجمین لیبرال و با طراحی آنان برآه انداخته میشود، در مسیری متضاد با منافع توده ها قرار گرفته و طبیعتاً نمی تواند مورد حمایت کمونیست ها و انقلابیون دمکرات واقع شود. تنها آنچه که اینک می تواند برای کمو - نیست ها و دیگر رزمندگان انقلابی مطرح باشد، افشای ماهیت واقعی هر دو سوی اختلاف و مرز بندی دقیق میان مواضع خلق و ضد خلق با بهره گیری از تضادهای درونی طبقات حاکمه است و بیس!

ماهیت تضاد بین طبقات هیئت حاکم را افشاء کنیم!
خلق را از زیر بال و پر آنان بدر آوریم!
نگذاریم مبارزه خلق از مسیر ضدا امپریالیستی
و ضد ارتجاعی خود منحرف شود!

حوادث اخیر تبریز و ناآرامی در دیگر شهرهای آذربایجان قبل از آنکه نشانی از مبارزات انقلابی خلق ترک بر علیه ستم طبقاتی و ملی داشته باشد، ناشی از تضادها و درگیریهای طبقات حاکم است که اکنون بر سر مسئله رهبری میان قدرتمندان مذهبی خود را می - نمایانند و در این بین توده وسیعی از مردم ناآگاه را آلت دست خود میسازد. تضادی که میان لیبرالها نسی از نوع نزیه و مراغه ای و... از یک طرف و جناح خرده - بورژوازی انحصار طلب در درون هیئت حاکمه از طرف دیگر، از مدت ها پیش بروز نموده اینک با اختلاف میان سران مذهبی بر سر قدرت متجلی شده، قطب بندی و اختلاف میان بخش وسیعی از مردم ناآگاه و متعصب را در پوشش طرفداران خمینی و شریعتمداری موجب گشته است. این آقایان لیبرال و فرصت طلب که در جریان قیام بهمین، به اعتبار سازشکاری و تسلیم طلبی رهبری خرده بورژوازی و خزش بورژوازی لیبرال بقدرت به نان و نواقی رسیده اند، یا همانها ثیکه بیشرمانه در محبوه مبارزات توده ها قانون اساسی رژیم سلطنتی را حامی و پشتیبان بوده اند، اینک که موقعیت خود را به لحاظ تضادها نشان با جناح خرده بورژوازی بقدرت رسیده در خطر می بینند، زیر پوشش بیباک هر آراسته حمله به ارتجاع، حمله به قانون اساسی خیرگان، تحت لوای شعارهای فریبنده آزادخواهی و دمکراسی و با سوء استفاده از تعصبات مذهبی و ناآگاهی بخش وسیعی از مردم آذربایجان آنها را بجان هم انداخته اند. توطئه های شوم و ننگین این فرصت طلبان تاکنون چندین هم بی ثمر مانده و حتی بخشی از عناصر مترقی را نیز با ایشان همراه ساخته است و این خود بزرگ خطرو هشدار عظیم برای خلقهای تحت ستم است. آنها باید بدانند حمله این دارودسته به ارتجاع حاکم نه تنها کمترین جنبه ای از ترقی خواهی ندارد، بلکه منتهای استنادده - ای تمام عیار از خواستهای انقلابی توده های ناآگاه است که آزادی و دمکراسی را نه در چارچوب پوسیده و ارتجاعی سیاستهای این قدرت طلبان نوخاسته، بلکه در رهائی از قید و بند سلطه امپریالیسم و نابودی سرمایه داری وابسته به عمیق ترین مفهوم خود میجویند. میان اعتراض و مبارزه مردم ناآگاه بر علیه قانون اساسی و بر علیه ارتجاع و اختناق و مخالفت های ضد خلقی و سودجویانه لیبرالها دیواری بس عظیم قرار دارد. بدون تردید خواست خلق آذربایجان مبنی بر حقوق تعیین سرنوشت خود و دفع ستم ملی با پشتیبانی همه کمونیست های راستین و نیروهای دموکرات و انقلابی روبروست، لیکن اگر امروز این شعار نه از سوی توده های مردم آذربایجان، بلکه بوسیله قانون اساسی - خواهان پیشین در رژیم شاه مطرح میشود، تنها در خدمت منافع ضد خلقی اینگونه بورژوا لیبرالها قرار می گیرد. آنها از طرح این شعار و چرکات اخیرشان میکوشند بقدرت دست یابند و نه تنها با برقراری نوعی ملوک الطوائفی در ایران، آذربایجان را به تیول خود درآوردند. تمامی خلقها باید بدرستی میان این دو موضع مرز بندی کنند.

قانون اساسی دستبخت خیرگان با برسمیت شمردن ولایت فقیه (بمطابق ارتجاعی ترین نهاد و سمبل دیکتاتوری) با قانونی کردن تمامی نهادهای استثمارگرانه سرمایه داری وابسته و با بزیر پا گذاشتن آنگاه دمکراسی و اصول آزادخواهی بدون شک دارای محتوا و مضمونی ضد خلقی است، لیکن چنانچه آقای شریعتمداری یا نزیه و مراغه ای و دیگر همدستان نشان با آن مخالفت می ورزند، تمام ناشی از آنست که منافع اینها این خائنین به خلق آنطور که خود می خواهند در این زمین و در دیگر مواضع هیئت حاکمه تا میهن نشده است. اصل "ولایت فقیه" در کلیت خود مسؤرد